

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زمنزومه های رنگی

**واکاوی زمینه های براندازی نرم در حوزه نشر**

تهیه شده در: اندیشکده راهبردی امنیت نرم

[www.amniatenarm.ir](http://www.amniatenarm.ir)

---

عنوان اثر: زمزمه های رنگی؛ واکاوی زمینه های براندازی نرم در حوزه نشر

تهیه شده در: اندیشکده راهبردی امنیت نرم

[www.amniatenarm.ir](http://www.amniatenarm.ir)

**EMAIL: [jangenarm@yahoo.com](mailto:jangenarm@yahoo.com)**

نقل و انتشار مطالب با ذکر منبع مجاز است.

## مقدمه

حوادث رخ داده بعد از اعلام نتایج انتخابات دوره دهم ریاست‌جمهوری و اقرار صریح متهمان حوادث اخیر در دادگاه نشان داد که ایران اسلامی از اوایل پیروزی خود و بویژه در یک دهه اخیر با نوع و شکل جدیدی از تهاجم مواجه شده‌است.

«براندازی نرم» و «انقلاب مخملی» عناوینی است که در چند سال گذشته وارد ادبیات سیاسی کشور ما شده‌است و هر روز شمه‌ای جدید از سناریو کشورهای معارض و بیگانه که با همکاری گروهی در داخل در حال اجراست آشکار می‌شود.

در حالی که اجرای یک پروژه انقلاب مخملی احتیاج به مقدمات طولانی و صرف زمان زیادی دارد محدود کردن آن به یک بازه زمانی امری خطا می‌باشد؛ ضمن اینکه باید در بررسی یک پروژه کودتای مخملی همه ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... آن در نظر گرفته شود، امری که متأسفانه بعد از وقایع اخیر از سوی دستگاه‌های ذیربط نادیده گرفته شده و تنها وجه سیاسی آن پررنگ نشان داده شده‌است و درباره آن به مردم اطلاع‌رسانی می‌شود. در حالی که حوزه فرهنگ (در همه زمینه‌ها) از مدت‌ها قبل در این پروژه فعال بوده و با توجه به زمینه مساعدی که در این بخش برای مخالفت با نظام وجود دارد حرکت‌های خزنده و وسیعی در حال اجراست که نمونه آن در فیلم‌ها، تئاترها، کتاب‌ها و آثار منتشر شده در دیگر حوزه‌ها قابل رؤیت است، البته با یک بررسی دقیق بر پایه منابع امنیتی.

حوزه کتاب از جمله مباحثی است که به دلیل وجه تئوریک آن این موضوعات در آن مطرح می‌شود و جالب اینکه توجهی نیز از سوی مسئولین امر صورت نمی‌گیرد. بدون شک انتشار کتاب



«جامعه مدنی، مبارزه مدنی» که توسط انتشارات «روشنگران و مطالعات زنان» روانه بازار نشر شده زنگ خطری بود که صدای بلند آن مسئولان امر را از خواب غفلت بیدار نکرد و این اثر ضدامنیتی در همه نمایشگاه‌های محلی و ملی و کتابفروشی‌ها عرضه شد تا روش‌های آموزش براندازی نرم بصورت رسمی ترویج و تبلیغ شود.

گذشته از این طرح، مباحث مربوط به «انقلاب‌های رنگی» یا «براندازی نرم» به راحتی در برخی آثار داستانی دستمایه نویسندگان مغرض و فرصت‌طلب قرار گرفت تا ضعف تئوریک بررسان حوزه نشر مانع از انتشار این آثار نشود.

بی‌شک به دلیل نقش، ماندگاری و تاثیرگذاری کتاب و نیز اطلاع عوامل براندازی نرم از غفلت مسئولان ذی‌ربط همچنان این مباحث در آثار مکتوب مشاهده خواهند شد.

مجموعه پیش‌رو تنها یک نگاه مختصر و بازگشت به آثار بررسی شده توسط دلسوزان نظام اسلامی است که مصادیق و محورهای براندازی نرم و کودتای مخملی را گلچین شده جمع‌آوری کرده تا تلنگری کوتاه باشد برای افرادی که براندازی نرم را تنها در حوزه سیاسی رصد می‌کنند.

بدون شک این مجموعه تنها آثاری نیست که در حوزه کتاب برای براندازی نرم منتشر شده است بلکه چشمان رصدگر این مجموعه آنان را دیده است. در صورتی که خوانندگان این نوشتار از دیگر آثار منتشره در موضوع براندازی نرم مطلع می‌باشند باعث خرسندی خواهد بود تا با اطلاع از آنها، بتوانان هجمه‌ای را علیه نظام اسلامی خنثی ساخت.



## از دولت اصلاحی تا دولت اسلامی



\* نام کتاب : از دولت اصلاحی تا دولت اسلامی

\* نویسنده : شهرداد اثنی عشری

\* ناشر : موسسه انتشارات عطایی

\* نوبت چاپ : اول - بهار ۸۶

## پیش‌بینی شورش در آینده

نویسنده در بخشی از کتاب دربارهٔ بروز مخالفت‌ها با نظام ، هشدار می‌دهد که در آینده احتمالاً

گروه‌های معترض مانند اصلاح‌طلبان روش‌های مسالمت‌آمیز را برای گروه خود انتخاب نخواهند کرد :

« اصلاح‌طلبان آخرین نسلی بودند که می‌خواستند به صورت مسالمت‌آمیز دست

به اصلاحات بزنند، بنابراین باید نگران مطالبات انباشته شده نسل آینده بود که ممکن

است به صورت بریده‌شدن از نظام و یا شکل‌گیری هسته‌های مخالف بروز کند.» (ص ۵۶)

نویسنده در ادامه تهدید می‌کند که :

« دیگر هیچ بهانه‌ای برای کارشکنی عناصر مخالف در این جهت توجیه‌پذیر

نیست و مردم و توده‌های محروم از جامعه از روش‌های دیگر برای رسیدن به مطالبات

خود استفاده خواهند کرد . »

ملاحظه:

«شهرداد اثنی عشری» فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسی و از نویسندگان روزنامه‌های «ابرار» ،

«شرق» (توقیف شده) و ماهنامه «گزارش» می‌باشد. وی از منتقدین سیاست‌های دکتر احمدی‌نژاد است.



## جامعه مدنی ، مبارزه مدنی



\* نام : جامعه مدنی ، مبارزه مدنی

\* نویسنده : جین شارپ ، رابرت هلوی

\* مترجم : مهدی کلانترزاده

\* ناشر : روشنگران و مطالعات زنان

\* نوبت و سال چاپ : اول ، ۱۳۸۶

### آموزش براندازی نرم

در ابتدای این کتاب مقدمه‌ای از مترجم کتاب (مهدی کلانترزاده) وجود دارد که درباره اعتراضات مخالفین حکومت در جوامع جهان سوم است . وی اعتراضات در این گونه جوامع را طبیعی می‌داند و همچنین می‌نویسد :

« دامنهٔ تعارض و تقابل میان حکومت و مردم در کشورهای در حال توسعه و کشورهای جهان سوم از این مرزها فراتر می‌رود و اختلافاتی ریشه‌ای است . دستیابی به حقوق اولیهٔ انسانی ، برقراری حکومت قانون ، برابری سیاسی ، آزادی بیان ، گسترش نهادهای مدنی ، فرصت‌های برابر اقتصادی و رفاه معیشتی خواسته‌های اولیه و اساسی مردمان این کشورهاست . بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که گریزی از تعارض و اختلاف میان مردم و حاکمیت نیست ، ولی نکتهٔ مهم چگونگی ابراز مخالفت ، بیان خواسته‌ها و سوق دادن حاکمیت‌ها در راه اصلاحات است . » صفحه ۷

توجه شود که مترجم کتاب ابتدا درصدد القای وجود تعارض و تنش در کشورهای به اصطلاح جهان سوم است . این مطلب می‌تواند برای جامعه‌ای چون ایران نیز از منظر مترجم نیز صادق باشد :

« بحرانی‌ترین و حادث‌ترین شکل برخورد میان مردم و حاکمیت در کشورهای آفریقایی ، آسیایی و جهان سوم روی می‌دهد که مردم برای احقاق حقوق نقض شدهٔ خویش به رویارویی و مبارزه برای کسب قدرت بر می‌خیزند که در انحصار حاکمیت



است تا با مردمی کردن قدرت ، آن را در جهت اصلاح امور خویش به کار ببرند .  
 مردمی کردن قدرت اولین گام در راه دموکراسی است ، چرا که حکومت دموکراسی ،  
 حکومت اجتماعی کردن قدرت سیاسی است . « صفحه ۵۴

با این که تاکنون اعتراضات و آشوبها در ایران نسبت به دیگر جوامع در حد محدودی رخ داده  
 است با این حال در این کتاب - که مشخصا جهت براندازی نرم منتشر شده است - تعاریف متعددی از  
 مبارزه مدنی ارائه می شود . ناگفته پیداست که مبارزه مدنی برای جوامعی کاربرد دارد که اقلیتی از مردم  
 به پشتوانه کشورهای ثالث از حکومت خود اظهار نارضایتی می کنند :

« مبارزه مدنی ، مبتنی بر مشخص کردن هدف نهایی و خواسته های مردمی توأم با  
 استراتژی مشخص ، روش ها و تاکتیک های مسالمت آمیز ، به دور از خشونت و بدون  
 هیچ گونه تهدیدی برای نهادهای مدنی موجود است و نقطه پایان مبارزه نیز تحقق هدف  
 است ؛ از آن فراتر نمی رود و به تخریب و تضعیف وضعیت موجود نمی پردازد. « صفحه ۸۸  
 « مبارزه مدنی مبتنی بر روش های مسالمت آمیز و غیر خشونت خواه در جهت  
 تغییر ساختارهای بنیادین حکومت استبدادی و جایگزینی آن با مبانی ای است که  
 تضمین توزیع قدرت سیاسی در سطح جامعه است ... هدف های مبارزه چه هستند و چه  
 راهی برای رسیدن به آنها می بایست طی شود شیوه مبارزه مدنی برای مردم مشخص  
 است . معیار مبارزه مدنی تحقق اهداف توافق شده مردم است نه تغییر شخصیت ها ،  
 سمبل ها و نمادهای حکومت استبداد . « صفحه ۱۵

### رهبری کارزماتیک ، عامل استبداد

« مهدی کلانقرزاده » در بخشی از مقدمه خود رهبری رهبر کارزماتیک (بخوانید غیردینی)

را عامل به وجود آمدن حکومت استبدادی می داند :

« در جوامع استبدادزده محور مبارزه ، [بر علیه] رهبر کارزماتیک است که با  
 تهییج و ایجاد انگیزه ، افراد را در راه آرمان هایی هدایت می کند که به هیچ وجه شکل  
 اجرایی آن را در ذهن متصور نیستند . این چنین مبارزه ای به هیچ وجه هدف غایی برای





خود ترسیم نکرده است ، چرا که به روشنی تفاوت میان زمان حال و شکل جدید حکومتی را که می‌بایست برقرار شود ، نمی‌داند و اصلاحات یا انقلاب فقط در سطح تغییر ظواهر ، سمبل‌ها و اهرم‌های قدرت می‌افتد . از پایه‌ای دیگر این مبارزه برخورد شخصی

و حذف نام‌ها و چهره‌هاست و نه اصلاح و جایگزینی شیوه‌ها . « صفحه ۱۴ و ۱۵

وی همچنین این رابطه مرید و مرادی را مختص جوامع استبدادی می‌داند که همه چیز به رهبر کاریزماتیک ختم می‌شود و رهبران دینی را عامل جلوگیری از تغییر حکومت عنوان می‌کند و راهکارهایی برای مقابله با آن نیز ارائه می‌کند :

« در برخی جوامع حاکمان به خویش وجهه فوق بشری و خدایی می‌دهند . زمانی که حاکم یا فرمانروایی را به عنوان صاحب بلامنازع یا نماینده دین معرفی می‌کنند ، سرپیچی از او بسیار مشکل می‌شود ... تنها راه فایق آمدن بر این خدعه‌ها ، روشنگری اذهان عمومی است که هیچ حاکم یا فردی نبایستی ادعای جانشینی خداوند را بر روی زمین بکند ، تا از طریق این ادعا قدرت خویش را مطلق و غیر قابل نقد جلوه دهد . »

صفحه ۸۷ و ۸۸

مشاهده می‌شود تاکید بر مقابله با رهبری حکومت، از راه‌های اصلی جریان برانداز است. در اعتراضات و اشوب‌های بعد از انتخابات ۲۲ خرداد نیز گروهی از آشوبگران مستقیماً شعارهایی را بر علیه رهبر معظم انقلاب سر می‌دادند.

### برای ایجاد دموکراسی ، انتخابات کافی نیست

در کتاب «جامعه مدنی و مبارزه مدنی» در چند مورد تاکید شده است که برگزاری انتخابات آن هم به صورت سراسری ، تضمینی برای آزادی مردم نیست ، بلکه به نظر نویسندگان این امر در جوامع استبداد زده رخ می‌دهد تا مردم را فریب دهند . با توجه به اینکه کشور ایران از جمله کشورهای است که در آن انتخابات متعددی برگزار می‌شود ، این القائات را می‌توان آسیبی جدی علیه کشور قلمداد کرد ، ضمن اینکه علی‌رغم تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر برگزاری انتخابات پرشور ، برخی افراطیون اصلاح‌طلب نیز در چند سال گذشته بر طبل عدم کفایت و ناکارآمدی و عدم برگزاری سالم انتخابات کوبیده‌اند تا همراهی خود را با جریان برانداز نشان دهند .



«برای سلامت حکومت‌های مردم‌سالار، رای دادن گاه‌به‌گاه مردم کافی نیست بلکه توجه، مسئولیت‌پذیری و تعهد شهروندان نقش اساسی دارد.» «صفحه ۲۲

«در بسیاری از رژیم‌های ستمگر انتخابات برگزار می‌شود ولی نتایج آن از قبل مشخص می‌شود و کل روند انتخابات تحت کنترل است. مطابق با تعریف دموکراسی، اولین شرط برای داشتن حکومت مردم‌سالار، انتخابات آزاد و دور از فریب و نیرنگ است. به همین دلیل حاکمیت‌های مستبد برای حفظ وجهه خود، به پیروزی در انتخابات و تعداد رای‌ها، اهمیت زیادی می‌دهند.» «صفحه ۵۵ و ۵۶»

«نتایج انتخابات اغلب به عنوان محکم‌ترین سند برای اثبات داشتن صلاحیت برای حکومت کردن به کار گرفته می‌شود. به همین دلیل است که بسیاری از حکومت‌های مستبد، نظارت بسیار زیادی بر انتخابات می‌کنند و انتخابات انحصاری، با صندوق‌های مخفی برگزار می‌کنند.» «صفحه ۶۰»

بسیاری از این مطالب را گروه معترض به نتایج انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ به شیوه ای دیگر که برای مردم عادی مقبول جلوه کند بازگو کرده اند.

### دین مانعی برای دموکراسی است

«جین شارپ» در کتاب خود تاکید دارد که دین مانعی در برابر دموکراسی غربی (که بر پایه سکولاریسم و اومانیزم بنا شده است) می‌باشد چرا که در حکومت دینی، همه چیز به میل و تمنای مردم پیش نمی‌رود، بلکه احکام و دستورات الهی پایه و اساس قرار می‌گیرد:

«در جوامعی که مردم دارای این اعتقادات [دینی] هستند برقراری حکومت دموکراتیک بسیار مشکل است.» در قرن بیستم نمونه‌ای از تلفیق اسلام به عنوان مذهب با قدرت سیاسی حاکمان (به شکل سنتی آن) وجود دارد. همه این موارد اساسا مترادف با این تفکر است که «همه چیز را تسلیم و قربانی خواست پیشوایان کن، چرا که همه چیز متعلق به آنهاست» براساس این باور منافع تمامی افراد جامعه معوق به منافع حاکمان است و مردم زیر سایه دینی و الهی آنها زندگی می‌کنند. در حالی که



اندیشه دموکراسی بر این باور مبتنی است که قدرت حاکمان امانتی است که مردم به صورت موقت به آنها می سپارند و هیچ فرد یا گروهی نمی تواند با هیچ توجیه یا ادعایی این قدرت را شخصی و فردی کند . « صفحه ۶۳

نکته ظریف در مطالب فوق ، همانا سرنگون کردن جوامع و حکومت های دینی با سلاح ساختگی دموکراسی و آزادی شهروندان است ، گویی دین زنجیری بر دست و پای مردمان جوامع دینی است . می توان تصور کرد که هدف این سخنان نه کشورهای عربی ، که ایران اسلامی است ، چرا که در آن کشورها چیزی جز پوسته دین باقی نمانده و ظاهر و باطن آن در حال غربی شدن است .

### روش های مبارزه مدنی از نگاه نویسندگان

روش های مبارزه مدنی یا همان براندازی نرم که در این کتاب آموزش داده می شود در کشورهای چون صربستان ، اوکراین ، گرجستان ، قرقیزستان ، لهستان و برمه موفق بوده و حکومت های طرفدار آمریکا را به قدرت رسانده است .

جین شارپ در این کتاب شیوه هایی را توصیه می کند که ظاهراً بدون خشونت است :

« در مناقشات بحرانی برای پرهیز از جنگ یا دیگر اشکال خشونت به عنوان آخرین راه حل برای دفاع از عقاید ، جامعه ، آرمان ها یا حتی بقا ، می بایست برای حل بحران و اختلافات قدرت ، کار آیی لازم را داشته باشد و در راه دستیابی به اهداف و در مقایسه با روش های خشونت آمیز ، شانس برابر یا حتی برتر داشته باشد . ضرورتاً این جایگزین می بایست در برخورد با موقعیت های بحرانی - که به شکل سنتی تنها راه حل آنها اعمال خشونت قلمداد می شده است - عملی و قابل اجرا و جایگزین مناسبی برای خشونت و برخورد فیزیکی باشد ؛ موقعیت هایی بحرانی مانند رویارویی مردم با حکومت های استبدادی ، استعمار خارجی ، قتل عام ، بمب گذاری و کشتار انسان ها .

نکته ای کلیدی که نشانه کارایی و اجرایی بودن این جایگزین هاست ، این نکته است که حکومت دیکتاتوری در اوج قدرت خود، به منابع قدرت جامعه وابسته است که این منابع به همکاری سازمان های مردمی و حمایت مردم وابسته اند که اگر این همکاری

تداوم نیابد ، برای حاکمان بحران و مشکل ایجاد می کند . « صفحه ۲۹



وی در ادامه می‌افزاید :

« با وجود سرکوب‌گری‌ها ، در برخی موارد گروه‌های مقاومت با سلاح‌های مسالمت‌آمیز خویش به جنگ با دشمن برخاسته‌اند ، به پیروزی نیز نایل شده‌اند . این شیوه مبارزه ، مبارزه مسالمت‌آمیز و دور از خشونت است و در برابر روش‌های جنگ طلب ، این شیوه، خود روش دیگریست که در مناقشات بحرانی جایگزینی مناسب برای جنگ و دیگر شیوه‌های خشونت‌آمیز قلمداد می‌شود . « صفحه ۳۰ و ۳۱

### مشخصات و روش‌های براندازی نرم

در ذیل بخش‌هایی از توصیه‌های نویسندگان کتاب که جهت مقابله با حکومت به اپوزیسیون ارائه شده است ، درج می‌شود :

« این اعمال فشار در برابر حاکمیت است که دارای سازماندهی ، نیروها و منابع گوناگونی است که ممکن است با سرکوب کردن ، واکنش نشان دهد .  
روش مبارزه مسالمت‌آمیز روشی عمومی برای هدایت اعتراض ، مقاومت و مداخله در امور سیاسی، به دور از خشونت فیزیکی است .  
این شیوه براساس سه خط مشی کلی پایه‌ریزی می‌شود :

الف) ممانعت ، که شرکت‌کنندگان انجام فعالیت‌هایی را که معمولاً انجام می‌دهند - یا انتظار می‌رود انجام دهند یا توسط قانون یا عرف جامعه معین شده و باید انجام شود - رد می‌کنند .

ب) انجام فعالیت‌های هدفمند ، در این روش شرکت‌کنندگان فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که معمولاً انجام نمی‌دادند - یا انتظار نمی‌رود انجام دهند - یا از نظر قانون، مقررات و عرف جامعه انجامشان ممنوع است . [انجام حرکات موزون و رقص توسط طرفداران برخی از کاندیداها در جریان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دهم]

ج) ترکیبی ، مرکب از هر دو نوع راهکارها .

این شیوه خود شامل بسیاری از روش‌های خاص است که به سه دسته اصلی



گروه‌بندی شده‌اند ۱. اعتراض ، ترغیب ، و متقاعد کردن بدون خشونت ۲. عدم همکاری و ۳. مداخله دور از خشونت ...

۱. مبارزات نمادین و اعتراضات سمبلیک - مانند راهپیمایی‌ها ، پخش اعلامیه و شب‌نامه‌ها ، پوشیدن لباس‌های هم‌شکل و یک‌رنگ [استفاده از نماد سبز توسط یکی از نامزدهای ریاست جمهوری دوره اخیر از این نمونه می باشد] - برای نشان دادن اتحاد مردمی برای دستیابی به اهداف .

۲. خودداری مردم از ادامه همکاری با حاکمیت یا ایجاد همکاری به شکلی دیگر در قالب مجموعه‌هایی از عملکردهای خاص [تحریم صدا و سیما و کالاهای کشورهای مرتبط مثل چین و روسیه نمونه ای از این الهامات می باشد]... مبارزان مردمی برای ابراز عدم همکاری خود در مسائل اجتماعی ، به تحریم انتخابات و عدم حضور در گردهمایی، اجتماعات و سازمان‌هایی پرداخته اند که به نوعی به مخالفان مردم و وابستگان حکومت وابسته بوده است ...

مبارزه سیاسی در اشکال تحریم انتخابات فریبکارانه ، عدم پذیرش مشروعیت حاکمیت ، عدم فرمان برداری بدون نظارت مستقیم، عدم همکاری با کارکنان و عوامل دولت و نافرمانی مدنی از قوانین بی پایه و پست رژیم نمود پیدا می کند.

۳. مداخله فعالانه و متوقف کردن چرخ‌های عملکرد سیستم حاکمیت [تبلیغ برای قطع جریان برق در ساعتی مشخص در جریان آشوب های اخیر] با توسل به روش‌های روان‌شناسانه ، اجتماعی سیاسی و عملی .

برخی از شیوه‌های مبارزاتی و مسالمت‌آمیز عبارتند از :

تجمع در دفاتر و مراکز اداری ، تجمع در خیابان‌ها ، اعتصاب غذا ، تاسیس مرکز اقتصادی جدید ، تصرف به شیوه غیرخشونت آمیز، تلاش برای نجات زندانیان یا تشکیل دولت مردمی به موازات دولت فعلی که وابسته به حاکمیت دیکتاتوری است . « صفحه ۳۵ ، ۳۶ و ۳۷

چین شارپ در ادامه به تشریح این روش‌ها پرداخته و برخی ویژگی‌های آن را شرح می‌دهد :  
« در بعضی شرایط ، نتایجی که با مبارزات مسالمت‌آمیز تحقق می‌یابد ، با



شیوه‌های خشونت‌گرا قابل دستیابی نیست .

بسیاری بر این باورند که عدم توسل به خشونت نشانه ضعف است و در عمل نیز نتیجه‌بخش نخواهد بود. در حالی که این روش می‌تواند بسیار قدرتمند و موفق عمل کند و حتی رژیم سرکوبگر و مستبد را فلج و در نهایت متلاشی می‌کند .

روش مبارزاتی مسالمت‌آمیز، به رهبر فرهمند (کاریزماتیک) با جذب‌های شخصیتی و ظاهری احتیاج ندارد .

روش مبارزاتی مسالمت‌آمیز یک روش تقابل فرهنگی است .

روش مبارزاتی مسالمت‌آمیز به باورها و اعتقادات مذهبی نیازی ندارد . (مطلقاً هیچ نوع باور مذهبی مشخص) اگر چه گاهی با انگیزه‌های مذهبی انجام گرفته است .

روش مبارزاتی مسالمت‌آمیز مانند اصول مذهبی و چارچوب‌های اخلاقی صلح‌گرا نیست بلکه از نظر ساختاری با آنها متفاوت است . در جوامعی که گرایش‌های مذهبی، ایدئولوژیک فکری غالب است، مردم می‌بایست به روشنی بدانند که تفاوت میان آرامش طلبی براساس نیازهای مبارزات مردمی در راه دموکراسی با آموزه‌های دینی چیست که به پرهیز از خشونت ترغیب می‌کنند ... تاریخ این مبارزات نشان داده است که این روش‌ها حتی در برابر رژیم‌های مستبد و بی‌رحمی مانند نازی‌ها و حکومت‌های دیکتاتور کمونیستی نیز موفق بوده است . « صفحه ۳۸ و ۳۹

### به چالش کشیدن مشروعیت حکومت

در صفحه ۴۴ کتاب نویسنده با برشمردن منابع قدرت سیاسی حکومت، خواستار به چالش کشیدن مشروعیت نهادهای قانونی حکومت می‌شود و آن را از عوامل موثر در مبارزه با حاکمیت می‌داند :

« عدم پذیرش صلاحیت قانون‌گذاران از سوی گروه‌های معترض [عدم پذیرش صحت انتخابات توسط شورای نگهبان از سوی جریان معترض]، به چالش کشیدن وجهه قانونی حاکمیت را منجر می‌شود و در نهایت بر فرمان‌برداری گروه‌های مخالف، نیروهای درون حاکمیت و عموم مردم تاثیر فراوان می‌گذارد و می‌تواند مشکلات بسیاری برای حکومت به وجود آورد .



اعتصاب گسترده می تواند به فلج شدن اقتصاد بینجامد [تبلیغات متعدد برای راه اندازی اعتصاب در سازمانهای اداری]. عدم همکاری های اداری و سازمانی می تواند از نظر بوروکراسی ، فعالیت های دولتی را فلج کند و سرانجام نافرمانی و طغیان پلیس و گروه های نظامی ، توان حاکمیت را برای رویارویی با جنبش های مردم و تداوم حکومت دچار مشکل می کند . « صفحه ۴۵ و ۴۶ »

### اهمیت نقش مردم در براندازی نرم

از نظر نویسندگان کتاب ، مهمترین عامل در عملیات براندازانه مردم هستند و در بخش های مختلف کتاب به این مهم توجه و تاکید می شود و مهمترین راهکار برای توجیه مردم جهت حضور در یک عملیات براندازانه ساده کردن مفاهیم علمی این نوع روش ها می باشد که از سوی جین شارپ و رابرت هلوی توصیه می شود :

« برای خاتمه دادن به حکومت های استبدادی در قالب مبارزات مسالمت آمیز ، مردم می بایست به روشنی مفهوم هرم یکپارچه قدرت را درک کنند و سپس [به] ساختاری فراتر از آن در جهت قدرت به شکلی یکنواخت و نه انحصاری در دست حاکمیت بیندیشند . « صفحه ۵۶ و ۵۷ »

« زمانی که اکثریت مردم ناراضی هستند و از ادامه همکاری و فرمان برداری سر باز می زنند ، با برنامه ریزی منسجم و مبارزه مسالمت آمیز می توانند رژیم ها را سرنگون کنند. در نبرد برای دموکراسی تعداد مردمی اهمیت دارد که خواهان دستیابی آن هستند . « صفحه ۶۱ »

از نظر جین شارپ هنگامی که قدرت اقتصادی در دست بخش خصوصی یا مردم باشد ، این موضوع می تواند اهرم فشاری برای دولت باشد :

« هر چه دولت دخالت کمتری در امور اقتصادی داشته باشد و مردم اداره این امور را بیشتر در دست بگیرند ، در مواقع بحرانی، مردم و نهادهای مردمی هستند که می تواند از قدرت اقتصادی خود برای فشار سیاسی به دولت استفاده کند . « صفحه ۶۴ »



## فروپاشی ارکان قدرت حاکمیت

در کتاب «جامعه مدنی، مبارزه مدنی»، جین شارپ مبارزان و مخالفان را به سست کردن ارکان قدرت حاکمیت جهت براندازی فرا می خواند. از نظر شارپ سست شدن ارکان قدرت حاکمیت، به تدریج سقوط آن را رقم می زند و در نهایت این مخالفین هستند که زمام حکومت را در دست می گیرند:

«شناخت، تجزیه و تحلیل ارکان قدرت اولین گام برای شروع مبارزات مخالفان

یک رژیم است، چرا که تا زمانی که ارکان قدرت رژیم ضعیف، تخریب یا خنثی نشده

اند، امید بسیار کمی به تغییر یا اصلاحات سیاسی وجود دارد.» صفحه ۶۸

وی ارکان قدرت حاکمیت را چنین برمی شمرد:

«این ارکان عبارتند از پلیس، بازداشتگاهها و نیروی انتظامی که به سرکوبگری و

مجازات می پردازند، رهبران اخلاقی و مذهبی که مشروعیت حاکمیت را تایید می کنند،

گروه های کارگری، تجاری و سرمایه گذار که منابع اقتصادی را برای دولت فراهم

می کنند.» صفحه ۶۷ و ۶۸

پدر کودتاهای مخملی، پلیس و نیروهای امنیتی را یکی از ارکان قدرت حاکمیت خوانده و درباره

راهکارهای مواجهه با این نیروها چنین توصیه می کند:

«نکته حائز اهمیت در مبارزات مردمی مسالمت آمیز این است که وقتی مبارزه به

پیروزی های مقطعی یا نهایی نزدیک می شود، مردم می بایست برای جذب همکاری

نیروهای امنیتی سعی کنند و آنها را به چشم مخالف ننگرند، بلکه بدانند که آنها فقط

نیروهایی در خدمت حکومت دیکتاتوری بوده اند و اکنون می توانند در خدمت حکومت

مردمی و تحت نظارت کامل نهادهای مردمی فعالیت کنند... به هر صورت نیروهای

امنیتی یکی از ارکان قدرت در هر حکومت هستند که مردم می بایست بر عملکرد آنها

نظارت کنند تا به وسیله ای برای تحقق اهداف منفعت طلبانه حاکمان تبدیل نشود.»

صفحه ۶۹

مثال زیر نمونه خوبی از کاهش قدرت نیروهای نظامی در عملیات براندازی نرم می باشد:





« انتخابات اکتبر ۲۰۰۰م در صربستان، مردم پیروزی در انتخابات را جشن گرفتند ... پلیس برای جلوگیری از ورود مردم و اعتراض کنندگان به بلگراد از بستن بزرگراهها خودداری کرد و نیروهای نظامی هم با استناد به این امر که انتخابات، فرایندی سیاسی است از دخالت در اعتراضات مردمی به طرفداری از میلوسوویچ خودداری کردند. تخریب این دو پایه قدرت (پلیس و نیروهای نظامی) نتیجه ماهها تلاش و روشنگری مبارزان بود تا به نیروهای نظامی و پلیس تفهیم کنند که تغییر دیکتاتوری فقط در جهت دستیابی به اهداف مردمی است و هیچ تاثیری بر جایگاه اجتماعی و اهمیت آنها ندارد. » صفحه ۱۰۳

نیروهای ارتش از جمله مهمترین قوایی است که جین شارپ کنترل آنها را موثر در براندازی نرم می‌داند، چه اینکه دخالت نکردن ارتش در کودتای نرم می‌تواند مخالفین را سریعتر به مقصود برساند. نویسنده با ذکر مثال‌هایی درباره کنترل ارتش و مهار آن جهت عدم دخالت در کودتا، راهکارهای موردنظر را نیز ارائه می‌کند:

« در مبارزات مردمی، رهبران مبارزه پیش از شروع اعتراضات می‌بایست به تخریب وفاداری و فرمانبرداری نیروهای نظامی از حاکمان مستبد بپردازند و قبل از آنکه حاکمیت از این نیروها برای سرکوب استفاده کند، مردم آنها را از اهداف مبارزه خویش آگاه کرده و با تاثیرگذاری و ترغیب، آنها را به نفع مبارزه خویش به صحنه بکشند. » صفحه ۷۰

در ادامه برای جلوگیری از کودتاهای مخملی، چنین دستورالعملی ارائه می‌شود:

« درونی کردن ارزش‌های دموکراسی در درون ارتش و آمیختن آن با فرهنگ نظامی، راهکاری اساسی و کلیدی در محدود کردن قدرت تخریبی ارتش در راستای مدنیت و ارزش‌های مدنی است. عامل دیگر، القای این ادراک به رهبران ارتش است که آنها در چارچوب نظارت مردمی یکی از عوامل بقای حکومت دموکراسی باشند. هر دو مورد به زمان و دقت بسیار در گسترش فرهنگ و ترغیب کردن به تفکر درباره این ایده‌ها و باور کردن آنها نیاز دارد.



یکی از دلایلی که جنبش مردمی مسالمت‌آمیز صربستان تلفات بسیار کمی داشت این بود که وقتی مردم در درون مجلس به نشانه اعتراض تجمع کردند، نیروهای ارتش، سیاست عدم دخالت در امور سیاسی را اتخاذ کردند. یکی از دلایل عدم دخالت، پیروزی نزدیک جنبش مردمی (که سازماندهی خوبی داشت) بود و نیروهای ارتش تمایل بسیاری به همکاری و مشارکت در حکومت دموکراتیک جانشین دیکتاتور میلو سوویچ داشتند. این امر بیانگر آن است که جنبش مردم صربستان، فرهنگ دموکراسی‌خواهی را بدان حد قوی و نیرومند در جامعه گسترش داده بود که حتی نیروهای ارتش نیز آرزوی بر سر کار آمدن حکومتی مردمی را داشتند. «صفحه ۷۱ و ۷۲

توجه به ارکان صنعتی هر کشور، نکته‌ای است که از جانب نویسندگان کتاب توصیه می‌شود، فلذا یکی از عناصر مورد توجه گروه مبارز بخش‌های صنعتی می‌باشد تا با ناکارآمد کردن این بخش بتواند اهداف خود را تحقق بخشد:

« یکی از بخش‌های بسیار مهم که مورد توجه برنامه‌ریزان مبارزات مردمی مسالمت‌آمیز است صنعت حمل و نقل و صنایع مرتبط با آن است. هرگونه اختلالی در انتقال کالاها، مسافران و خدمات گوناگون می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و سیاسی آنی را به رژیم تحمیل کند. همزمان با این مسئله برنامه‌ریزان استراتژیک به پیامدهای عدم وجود محصولات گوناگون و مواد غذایی‌ای در بازار می‌اندیشند که می‌تواند فشار بسیار زیادی را به دولت وارد کند. «صفحه ۷۸ و ۷۹

دستورالعمل شارپ برای بهره‌گیری از رسانه‌ها چنین است:

« اگر مبارزه مردمی - برای استقرار دموکراسی - درصدد رسیدن به پیروزی است، می‌بایست برای برقراری ارتباط با مخاطبان خویش راهی بیابد. حکومت‌های مستبد به خوبی از این مطلب آگاهی دارند و به همین دلیل سعی در محدود کردن ابزارهای رابطه دارند و برای عدم ارتباط آزاد میان مردم، قوانین نظامی و دراکو واری وضع می‌کنند در برابر کسانی که سعی می‌کنند از تکنولوژی نوین برای آگاهی رساندن به مردم استفاده کنند. «صفحه ۷۳ و ۷۴



جوانان از جمله موتور محرکه هر عکس العمل اجتماعی می باشند که توجه به آنان در عملیات نرم مورد غفلت جین شارپ قرار نگرفته است :

« حرکت برنامه ریزی شده برای تمامی آنهایی که در مبارزات شرکت می کنند اصلی حیاتی است و برای جوانان حیاتی تر، تا با آموزش ، خطدهی و رهبری قوی از منحرف شدن برنامه ها جلوگیری کنند . » صفحه ۷۸

نهادهای غیردولتی یا **NGO** ها به جهت مردمی بودن بسیار مورد توجه گروه های مخالف حکومت قرار می گیرد و توصیه می شود تا از این نیروی بالقوه در مخالفت با حکومت استفاده شود :

« هر سازمان و نهادی که خارج از کنترل مستقیم دولت عمل می کند ، سرمایه بالقوه ای برای جنبش دموکراسی محسوب می شود . ان.جی.اوهای بین المللی می توانند با رایزنی های خویش ، مساعدت های مالی را برای تامین نیازهای اقتصادی مبارزه جلب کنند ، با مجامع بین المللی در ارتباط باشند ، دانش و تخصص مورد نیاز را با جلب همکاری سایر کشورها به کار گیرند و بینش و تجربه سایر جنبش های مبارزاتی را به مردم انتقال دهند . » صفحه ۷۹ - ۸۰

« ان.جی.او ها اگرچه دارای اساسنامه و اهداف مستقل خودشان هستند ، ولی این اهداف و خط مشی ها می بایست در چهارچوب اهداف جنبش دموکراسی خواهانه قرار گیرد و با آن همگرا شود . » صفحه ۸۰ - ۸۱

### مکانیزم ها و روش های براندازی نرم

در بخشی که توسط « رابرت هلوی » نوشته شده ، وی چهار مکانیزم برای مبارزه بدون خشونت پیشنهاد کرده و درباره آنها توضیحاتی را ارائه می کند :

« دکتر جین شارپ چهار نوع مکانیزم را برای مبارزات مسالمت آمیز مردمی معرفی می کند . این چهار مکانیزم عبارتند از چانه زنی با حاکمیت برای انجام اصلاحات ، مصالحه ، اجبار (مسالمت آمیز) و فروپاشی ... علاوه بر این مکانیزم ها ، روش های اعتراض و مخالفت مسالمت آمیز نیز ارائه می شوند که شامل اعتراض ، متقاعد کردن ،



عدم همکاری ، و ایجاد اختلال است . این روش ها برای ایجاد اصلاحات و تغییرات بنیادین در ساختار قدرت جامعه بسیار سودمندند و کارآیی قابل توجهی دارند .

صفحه ۹۱ و ۹۲

« سیاست چانه زنی ، مکانیسم اولیه برای تقویت و گسترش شیوه های مبارزاتی در راه اهداف دموکراتیک است. در این راه استفاده موثر از تبلیغات بسیار اهمیت دارد که شرایط زندگی را در حکومت های دموکرات و حکومت های مستبد مقایسه می کنند و اذهان مردم را درباره مزایای عملی دموکراسی و چگونگی روند مبارزات مردمی مسالمت آمیز در جهان روشن می کنند . » صفحه ۹۴ و ۹۵

« اجبار مسالمت آمیز مکانیزمی است از اصلاحات و تغییر که با وجود میل باطنی حاکمیت ، به برآورده شدن اهداف مبارزات مردمی منجر می شود در این روش پایه های مشروعیت حاکمیت به علت عدم همکاری مردم و عدم کنترل موثر بر شرایط موجود ضعیف می شود و حاکمیت مجبور می شود به خواسته های مردم تن دهد . در شرایطی که توان واقعی حاکمیت تحلیل رفته است اجبار موثر است ...

به عنوان نمونه پس از بررسی دقیق تمایلات مردم و برنامهریزی اهداف در پی تقاضا برای برگزاری انتخاباتی آزاد و سالم (چنانچه شرایط فوق آماده باشد) به حاکمیت اعلام می شود که در صورت عدم برآوردن شرایط و تحقق تقاضا چه مجازاتی (از نوع غیرخشونت گرا) از سوی مردم اعمال خواهد شد . زمانی که تقاضای مردم با

وجود بی میلی حاکمیت تحقق می یابد اجبار به موفقیت می رسد . » صفحه ۱۰۲

نویسندگان کتاب ، آخرین راهکار مبارزه مسالمت آمیز یا براندازی نرم را فروپاشی حکومت

می دانند و برای تحقق آن توصیه های زیر را ارائه می کنند :

« در صورت عدم تحقق اهداف و خواسته های مردمی و پافشاری حاکمیت بر روند مستبدانه خویش ، آخرین مرحله ، فروپاشی است که آن هم مانند سایر مکانیزم ها به صورت مسالمت آمیز انجام می شود .

در این مکانیزم ، نافرمانی و عدم تمکین مردم از منابع قدرت حاکمیت ، تا بدان



حد گسترده و شدید است که سیستم یا دولت غیر مردمی دیگر توان اداره امور جامعه را نخواهد داشت و به سادگی فرو می‌پاشد ... زمانی که مخالفان در می‌یابند که توازن قدرت به سود آنها تغییر کرده است ، رژیم می‌بایست از جانب نیروهای مردمی با اتخاذ روش‌های عدم همکاری و اعتصاب مورد تهاجم قرار گیرد . اگر حملات ، برنامه‌ریزی شده و قوی باشد رژیم فرو می‌پاشد ... چنانچه گروه‌های مخالف به این نتیجه برسند که سرنگونی رژیم ضروری است ، شدت و قدرت مبارزه مسالمت‌آمیز تا تحقق هدف می‌بایست پایدار باشد . « صفحه ۱۰۴

« پس از فروپاشی چهارمین مکانیزم اصلاحات در شیوه مبارزه دور از خشونت است ، که پس از آنکه مشخص شد که حاکمیت تمایلی به انجام اصلاحات ندارد ، به کار برده می‌شود . در این شیوه حکومت یا دولت در اثر عدم همکاری مردم و نافرمانی آنها از هم می‌پاشد . « صفحه ۱۰۵

رابرت هلوی در بررسی روش‌های براندازی نرم که آن را مبارزه مسالمت‌آمیز نامگذاری کرده است ۳ نوع مبارزه را پیشنهاد می‌کند : ۱. اعتراض و متقاعد کردن ، ۲. عدم همکاری ، ۳. مداخله وی برای هر یک از روش‌های پیشنهادی خود توضیحاتی را ارائه می‌کند ، مانند اینکه مردم با فعالیت‌های سمبولیک مانند شب‌زنده‌داری ، راهپیمایی و اعتصاب مخالفت خود را بیان کنند و سعی در ترغیب حاکمیت به انجام اصلاحات نمایند . همچنین هلوی در شیوه عدم همکاری مردم با حکومت ، استفاده از حمایت بین‌المللی را پیشنهاد می‌کند :

« برنامه‌های عدم همکاری که از مرزهای درونی کشور فراتر می‌رود و به جلب توجه بین‌المللی می‌انجامد در جهت اصلاحات و تغییرات سیاسی بسیار موثر است . «  
صفحه ۱۰۸

بررسی‌های « عدم همکاری » که در توضیحات رابرت هلوی آمده در ادامه به سه شیوه منجر می‌شود :

« عدم همکاری اجتماعی ، ساده‌ترین شکل عدم همکاری است که هر فردی می‌تواند آن را انجام دهد . به عنوان نمونه خودداری از معاشرت اجتماعی با خانواده‌های



### افرادی که به اشکال مختلف با حاکمیت همکاری می کنند .

نخبگان و برگزیدگان امور اجتماعی مانند نویسندگان ، محققان و ..می توانند با تشکیل نشست ها و گردهمایی ها در زمینه های کاری خویش و نه الزاما سیاسی ، با عدم دعوت از مقامات حکومتی و با عدم شرکت در گردهمایی های مشابه که توسط حکومت برگزار می شود ، اعتراض و نارضایتی خویش را ابراز کنند . این دوری کردن و عدم معاشرت ، این پیام را به حاکمیت منتقل می کند که مردم ، کسانی را که از حاکمیت حمایت می کنند ، نمی توانند تحمل کنند . « صفحه ۱۰۹

« عدم همکاری اقتصادی » بخش دیگری از پروژه براندازی نرم است که در بخش ارکان قدرت نیز مورد توجه نویسندگان کتاب قرار گرفته است ، در این بخش که به صورت گسترده تری توضیح داده می شود ، این توصیه ها به گروه های مخالف انجام می پذیرد :

« عدم همکاری اقتصادی در چارچوب استراتژی مبارزه مسالمت آمیز بر این امر بنا شده است که مردم با استفاده از منابع تامین قدرت اقتصادی حاکمیت که در اختیار دارند ، به اعمال فشار بر حاکمیت می پردازند ... خودداری از پرداخت مالیات ها یا پرداخت بخش محدودی از آن ، تحریم کالاها و خدماتی که برای دولت درآمدزا است ، اعتصابات که به برهم خوردن ثبات اقتصادی دولت منجر می شود یا خارج کردن وجوه نقدی از بانک ها که به بحران مالی و نابسامانی وضعیت اقتصادی در سطح بین المللی منجر می شود نمونه هایی از عدم همکاری اقتصادی اند . « صفحه ۱۱۰

اما مهمترین نوع عدم همکاری که بر انواع دیگر روش ها غلبه دارد « عدم همکاری سیاسی » با حاکمیت است . این شیوه به دلیل تسریع در نتیجه موجب ایجاد بحران سیاسی می شود و مورد توجه برنامه ریزان کودتاهای مخملی قرار می گیرد .

« تمامی شیوه های عدم همکاری که در چارچوب برنامه استراتژیک اعمال می شوند ، در اصل نوعی نافرمانی سیاسی هستند . این نوع شیوه ها به منظور به چالش کشیدن مشروعیت حاکمیت هستند که در اصل پشتوانه کلیدی قدرتند ...

نافرمانی سیاسی ، تهدیدی مستقیم برای حاکمیت است . بیانیه ها ، قطعنامه ها



و سایر مدارکی که مشروعیت قدرت حاکمیت و قانونی بودن آن را به چالش می کشند ، این مسئله را برای مردم تفهیم می کنند که مشروعیت ، در صورت عدم کارآیی درست حاکمیت ، قابل سلب است . با تحریم سازمان های دولتی و کاهش راندمان کاری کارکنان خدمات و صنعت و صدها مورد نافرمانی مدنی دیگر که توسط عموم مردم قابل اجرا است ، نافرمانی سیاسی به اوج می رسد و در صورت برنامه ریزی صحیح ، هوشیاری و دقت مردم و رهبران مبارزه ، می تواند قدرت رژیم های مستبد را خنثی کند و ساختار حاکمیت آنها را به فروپاشی کشاند . « صفحه ۱۱۱

در نهایت اینکه سومین روش پیشنهادی دستیار جین شارپ ، مداخله در امور حاکمیتی توسط ناراضیان می باشد ، هلوی در این شیوه مبارزه حتی دخالت نیروهای بین المللی یا همان قدرت های استعماری را مجاز می داند .

در بخشی از کتاب که اختصاص به برنامه ریزی جهت براندازی نرم دارد ، اهمیت برنامه ریزهای استراتژیک در برخورد با حکومت توسط نویسندگان ارائه می شود . در این بخش ضمن تعریف استراتژی ، فرمول بندی برنامه ریزی برای براندازی نرم ارائه می شود . در بررسی سطوح برنامه ریزی ، « استراتژی مادر » استراتژی مقطعی و تاکتیک های مورد نیاز گروه های مخالف ارائه می شود .

« در فرمول بندی استراتژی برای مبارزات مسالمت آمیز ، می بایست به این

مفاهیم توجه شود :

هدف ها ، منابع و قدرت مبارزه ، اهداف حاکمیت ، منابع و قدرت حاکمیت ، نقش بالفعل و بالقوه نیروهای سوم ، راهکارها و شیوه های عمل و عکس العمل احتمالی حاکمیت ، راهکارها و شیوه های عمل و عکس العمل احتمالی جنبش مبارزه (عکس العمل های دفاعی و تهاجمی) پیش نیازها و ملزومات این روش برای کسب موفقیت ، پویایی شناسی مبارزه و تجزیه و تحلیل آن در شرایط متغیر و نهایتاً بررسی

مکانیزم تغییر و تحولات و اثر آنها بر مبارزه و شیوه های آن است . « صفحه ۱۲۲ و ۱۲۳

در بخش هفتم کتاب گام های برنامه ریزی استراتژیک برای براندازی در پنج فاز به

مخاطب کتاب ارائه می شود و این شیوه به شرح ذیل توضیح داده می شود :



« این شیوه روشی است بر پایه اعمال اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی در راستای تحقق خواسته های انسانی با پایه ریزی توان ابزار مخالفت ، خودداری از همکاری ، مبارزه کردن و ایجاد شکاف در دشمن . به عبارت دیگر مردم از کارهایی سرباز می زنند که باید انجام دهند و کارهای را انجام می دهند که قدغن است . » صفحه ۱۲۷

توصیه هایی در این پنج فاز در قالب « ۱. بررسی اولیه و تجزیه و تحلیل مقدماتی ۲. بسط استراتژی ۳. ظرفیت سازی ۴. آغاز مبارزه و ۵. فرجام مبارزه » در کتاب ارائه می شود و در حقیقت زیربنایی است که جین شارپ و رابرت هلوی جهت براندازی نرم ارائه می کنند .  
تمام نکاتی که در این بخش ارائه می شود باید توسط عاملین براندازی نرم در سطوح زیرین جامعه یا همان عوامل مردمی نهادینه شود تا بتوان در حرکت نهایی از آن بهره گیری کرد .  
ناگفته پیداست تهیه این مقدمات به خودی خود مستلزم صرف سال ها برنامه ریزی و القای مفروضات گروه های به اصطلاح مبارز به قشرهایی نظیر دانشجویان ، کارگران و مردم است تا بتوانند حرکات اعتراضی خود را نشان دهند.  
آخرین بخش کتاب اختصاص به ریشه یابی ترس در بین مردم جهت مبارزه با حکومت دارد .  
انتخاب آخرین فصل برای این عنوان ، هوشمندی عوامل چاپ این کتاب (اعم از مترجم و ناشر) را نشان می دهد ، چرا که بعد از بیان همه موارد براندازی و توضیح روش ها ، تاکتیک ها و موارد مورد نیاز و تغذیه فرد از لحاظ روانی ، آنگاه به ریشه یابی ترس پرداخته می شود تا در نهایت به این نتیجه منجر شود که با همه مواردی که از ابتدا تا انتهای کتاب ذکر شده است ، دیگر عاملی برای ترس وجود ندارد:

« استراتژی مبارزات مسالمت آمیز نیازمند خواست و اراده همگانی است و برای حصول این امر ، عموم مردم می بایست بر ترس و پیامدهای آن غلبه کنند که حاصل مجازات های خشونت آمیز و فیزیکی برای سرکوبی مبارزه است . » صفحه ۱۵۱  
در این بخش راهکارهای کاهش ترس عمومی در هنگام تجمعات سراسری بیان می شود :  
« یکی از راهکارها که به کاهش ترس مردم در هنگام مبارزات مردم منجر می شود دقت در انتخاب مکان و زمان تجمعات است. نکته دیگر این است که رهبران و فعالان ، طی مدت تجمع به حفظ روحیه و تقویت امید پیروزی و موفقیت مردم مبادرت





کنند و قبل از آنکه نیروهای ضد شورش به تجمع حمله کنند ، مردم را متفرق کنند .

... همزمان در جاهای مختلف شهر تجمع برگزار شود ، تا از این طریق توان

نیروهای امنیتی تقسیم شود و در نتیجه نیروی سرکوبگری آنها کاهش یابد .

غافلگیر شدن اغلب به ترسیدن منجر می شود . آماده کردن نیروهای مردمی و

تقویت روحیه آنها برای مبارزه از غافلگیر شدن جلوگیری می کند . این آماده سازی

شامل یادآوری اهداف مبارزه به مردم ، دادن اطلاعات دقیق از تعداد نفرات پلیس به

آنها ، برنامه ریزی دقیق برای عکس العمل و تعیین زمان مناسب برای آن و همچنین

انجام برخی تمرینات قبل از تجمع است . اقدام مناسب دیگر این است که به مردم

توضیح داده شود که در طول مدت تجمع ، ممکن است آنها با نیروهای پلیس ضد

شورش نیز مواجه شوند . در این زمینه حتی بهتر است رابطه فیزیکی نیز برای آنها

توضیح داده شود . ، صفحه ۱۵۲ و ۱۵۳

راهکار دیگر مقابله با ترس عمومی در هنگام رویارویی با پلیس و نیروهای امنیتی است . در

مطلب ذیل آموزش هایی ارائه می شود که بعد از برخورد خشونت آمیز پلیس با تظاهرکنندگان باید اجرایی

شود تا اثرات روانی خود را بر عموم جامعه بگذارد :

« به هر حال در برخی موارد که نیروهای امنیتی به روش های خشونت آمیز

متوسل می شوند و درگیری فیزیکی رخ می دهد ، می بایست برنامه ای منسجم برای

حمایت از زخمی ها و مصدومان وجود داشته باشد ... بهتر است هر فرد لباس سفید

تمیزی داشته باشد تا از آن به عنوان باند استفاده کند و برخی از داروهای اولیه را نیز با

خود داشته باشد . چرا لباس سفید! چون با خونی شدن در عکس بهتر نمایان می شود و

برای استفاده روانی - تبلیغاتی آتی کاربردی بهتری دارد.

خبرنگارانی که از مصدومان عکس می گیرند در حقیقت پل ارتباطی میان مبارزه

و رسانه های جهانی هستند . یک عکس از مجروحان می تواند مبارزه را به صدها میلیون

نفر انسان در سراسر جهان مخابره کند و آنها را به حمایت جهانی از مبارزه دعوت

کند [انتشار سریع و گسترده فیلم، عکس و خبر از نحوه مرگ جان خراش ندا آقاسلطان نمونه

بارزی از استفاده رسانه ای جریان برانداز است]. مردم می بایست از این فرصت ها ، برای



آشنا کردن دیگران با اهداف و آرمان‌های مبارزهٔ مسالمت‌آمیز خویش استفاده کند.»

صفحه ۱۵۶

ملاحظه:

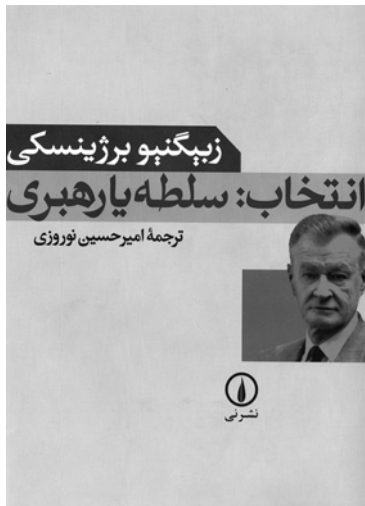
\* «جین شارپ» نظریه‌پرداز کنش‌های غیرخشونت‌آمیز و رهبر انقلاب‌های رنگی در کشورهای آسیای میانه و برخی کشورهای اروپایی است. اساس تئوری‌های وی بر مبنای نظرات گاندی بنا شده‌است.

وی پایه‌گذار موسسه «آلبرت انیشتین» است که با حمایت دولت آمریکا سمینارهایی را برگزار می‌کند. کتاب «از دیکتاتوری تا دموکراسی» معروف‌ترین اثر وی می‌باشد که راهکارهایی را برای انقلاب رنگی ارائه می‌کند.

«رابرت هلوی» نیز از همکاران جین شارپ و سرهنگ بازنشسته نیروی دریایی آمریکا است. وی سال‌ها جاسوس آمریکا بود و وظیفه هدایت و راهبری انقلاب زعفرانی را داشته‌است.



## انتخاب: سلطه یا رهبری



\* نام : انتخاب : سلطه یا رهبری

\* نویسنده : زیبگنیو برژینسکی

\* مترجم : امیرحسین نوروزی

\* ناشر : نی

\* نوبت و سال چاپ : اول ، ۱۳۸۶

### براندازی نرم ، مطلوب نویسنده کتاب

برژینسکی از طرفداران انتقال دموکراسی به کشورهای اسلامی به صورت براندازی نرم است . نویسنده با نقد سیاست خارجی آمریکا در تحمیل دموکراسی به سایر کشورها ، معتقد است باید با طرفداری از عناصر میانه‌رو و دموکراتیک زمینه انتقال آرام دموکراسی ایجاد شود و الا با زور و سلطه نمی‌توان دموکراسی طولانی مدت در کشورها ایجاد کرد.

او درباره ایران نیز این برنامه را به سیاستگذاران خارجی دولت بوش توصیه می‌کند و حمایت از اصلاح‌طلبان را بسیار ضروری می‌داند :

« در ایران هم عناصر میانه‌رو تئوکراسی جسورتر شده اند و از تعصبات خشک و سانسور اجتماعی انتقاد می‌کنند . بیست و اندی پس از انقلاب بنیادگرایان ، اصلاح‌طلبان سیاسی - مذهبی روز به روز بیشتر بر گفتمان عمومی در ایران حاکم می‌شوند . چارچوب گفتمان در مورد آینده ایران را هنوز هم محافل سیاسی - مذهبی تئوکراسی مشخص می‌کنند ، اما جهت این گفتمان به سمت محدود کردن قلمرو مذهب و گسترش حوزه انتخاب آزادانه است. » صفحه ۷۹

برژینسکی معتقد است دولت بوش باید شرایط ایران را درست درک کند. شرایط کنونی ایران دوران گذار و تغییر گفتمان را طی می‌کند و با تغییر این گفتمان بنیادگرایی در مناطق دیگر هم به مرور زمان از بین خواهد رفت. چون منشا بنیادگرایی در جهان ، ایران و انقلاب می‌باشد :

« این که ایران در چه مسیری متحول خواهد شد مشخص نیست ، اما روزهای تئوکراسی بنیادگرایی رو به پایان است . حالا ایران در مرحله فرو نشستن تب و تاب



انقلابی است و بدون ایران بنیادگرایی در سایر نقاط هم دوام نمی‌آورد. « صفحه ۸۰

او معتقد است بنیادگرایی اسلام و ایران اگرچه در کوتاه‌مدت جذاب است ولی در درازمدت و گذشت زمان ضعفش آشکار و هم‌اکنون در حال منزوی شدن است.

و لذا آمریکا در مقابل این حرکت طبیعی (به اعتقاد نویسنده) باید با احتیاط برخورد نماید تا تعصب مذهبی و ملی ایران مانع از یک گذار طبیعی نشود.

به اعتقاد برژینسکی بنیادگرایی دینی باعث زائیده شدن تروریست می‌شود و در کشورهای ایران، قسمتی از لبنان، افغانستان، سودان بیشتر نمایان است و کشورهای عربی هم اگرچه در ظاهر دینی هستند ولی طرفدار تتوکراسی به معنای واقعی آن نیستند، بلکه به نوعی یک نظام پوپولیسم اسلام‌گرا هستند.

او با تقسیم کشورهای اسلامی به بنیادگرای اسلامی و پوپولیسم اسلام‌گرا، بنیادگرایی اسلامی را خطرناک‌تر می‌شمارد:

« هم در بنیادگرایی و هم در پوپولیسم اسلام‌گرا نشانه‌هایی از افراطی‌گری وجود

دارد، از جمله این که هر دو برای دستیابی به قدرت یا بر خشونت متداول متکی‌اند و یا

بر تروریسم. « صفحه ۸۴

او معتقد است گذار طبیعی کشورهای اسلامی بنیادگرا به سمت پوپولیسم اسلامی است و حکومت پوپولیست اسلامی نیز به سمت حکومت سکولار شدن حرکت می‌کند.

« پوپولیست اسلام‌گرا، حتی اگر هم عامل تعیین‌کننده تحول اجتماعی و سیاسی نباشد، این تحول را پیش می‌برد و به این ترتیب بعد سکولار به تدریج گسترش خواهد یافت. « صفحه ۸۵

ملاحظه:

\* «زبیگنیو برژینسکی» مشاور ارشد امنیت ملی در زمان ریاست‌جمهوری جیمی کارتر بود. وی همواره سیاست‌های خصمانه‌ای نسبت به ایران داشته که اوج آن تشویق کارتر برای حمله به ایران جهت آزادی گروگان‌های آمریکا در تهران بود.

«امیرحسین نوروزی» نیز از مترجمان آثار سیاسی است که چند اثر وی توسط نشر «طرح نو» منتشر شده‌است. از وی مقالاتی در سایت «لیبرال دموکرات» موجود است.



## سفرنامه‌ی اونور آب



\* نام : جامعه‌شناسی مهاجرت ؛ سفرنامه‌ی اونور آب

\* نویسنده : پرویز رجبی

\* ناشر : اختران

\* نوبت و سال چاپ : اول - ۱۳۸۶

### القای ناکارآمدی نظام اسلامی ، تضعیف مبانی و اساس جمهوری اسلامی

#### و سیاه‌نمای وضعیت داخلی کشور

از دیگر مواردی که عناصر درگیر با براندازی نرم از آن بهره‌های فراوان می‌گیرند القای مکرر ناکارآمدی و سیاه‌نمایی از عملکرد حکومت و دولت حاکم است. در کتاب «جامعه‌شناسی مهاجرت؛ سفرنامه‌ی اونور آب» نویسنده کتاب در مطلبی به تعریف و تمجید از کشور کانادا پرداخته و در این حین اقدام به سیاه‌نمایی از عملکرد مدیران و سیاستمداران ایران می‌کند :

« ... یک کمی که دست و پا داشته باشی می‌توانی پول پارو کنی و برای بستگان و

دوستان در ایران هم دعوت‌نامه و بلیت بفرستی و از بدبختی نجاتشان بدهی .

می‌گویند در کانادا و آمریکا ، سیاستمداران ، برخلاف سیاستمداران ما ، کاری ندارند جز

فکر کردن به آسودگی و خوشبختی مردم خود.

می‌گویند ، از در و دیوار رفاه می‌بارد و آزادی تا بخواهی! همین حرفها کانادا را

سرزمین آرزوهای ناشناخته کرده است ... » صفحه ۵۳

وی در ادامه روزگار خود (در واقع مردم ایران) را چنین توضیح می‌دهد :

« ما با این که در ایران روزگار را به اوقات تلخی می‌گذرانیم ، مشکلات

نمی‌گذارند که حوصله‌مان سر برود و بی‌خودی به پر و پای یکدیگر بیچیم . پس از



هشت ساعت کار موظف و هشت ساعت مسافرکشی می آیی خانه.

بچه ها مشق هایشان را نوشته اند و خوابیده اند و مادرشان هم این قدر سرریال

دیده است که دیگر نای بهانه گیری ندارد. همان جلوی در لباس هایت را در می آوری و

می ریزی پایین و می دوی به سوی رختخواب ، تا صبح خواب نمانی . « صفحه ۵۴

رجبی در یک قیاس نامتعارف و غیرمنصفانه دو موضوعی که نه از نظر فضا و نه از نظر ماهیت هیچ شباهتی ندارند به یکدیگر مرتبط کرده است . باید اذعان داشت فرار مغزها در ایران نه به لحاظ محدودیت در فراگیری علم یا خطوط قرمز در مبادی فراگیر علوم است بلکه اکثراً مهاجرت ها به جهت ملاک های مادی است .

در حالی که مسئولان کشور همواره سعی داشته و دارند تا فضایی نزدیکتر به تمایلات و خواسته های این دسته از دانشمندان و اصطلاحاً مغزهای ایرانی فراهم آورند تا به نوعی انصرافشان از مهاجرت را سبب گردد :

« ... بی تردید با توجه به موانع و امکانات در دوره های باستانی و سده های میانه ،

جابه جایی و مهاجرت های فردی و گروهی با آهنگ کندتری انجام می گرفته است .

مخصوصاً فرار به اصطلاح مغزها . جالب توجه است نخستین خبری که از این گونه خبرها

داریم مربوط است به فرار به ایران . پس از این که در سال ۵۳۰ میلادی به فرمان

یوستینیان ، امپراتور روم شرقی ، مدرسه های فلسفه بسته شدند ، در سال ۵۳۲ هفت

فیلسوف فلوتینی (نوافلاتونی) به دربار انوشیروان ، که به دربار دوستداران فلسفه

شهرت داشت ، روی آوردند . اینان در شگفت ماندند که انوشیروان با فلسفه آنان

بیگانه نبود . با این همه در قرارداد صلحی که در سال ۵۳۳ انوشیروان با رومیان بست ،

قید کرد که فیلسوفان در ایران و روم آزادی عمل داشته باشند . تا جایی که می دانیم

این نخستین بار در تاریخ است که قرارداد رسمی میان دو فرمانروا مقید به آزادی

تحرك دانشمندان می شود ... چنین است که جابه جایی یا « فرار مغزها » سبب پدید

آمدن اندیشه های نو می شود و عادت به گفت و گو فراهم می آید ... اگر امروز تنها نشانی

به اشاره از مهاجران رومی در ایران بر جای است ، آوازه هجرت اندیشمندان ایرانی به



تورنتو و مونترال و ونکوور انعکاسی سرزنده دارد. رضا براهنی شاعر و نویسنده و منتقد ایرانی رئیس انجمن قلم کانادا می شود و استاد پرویز قدیریان در قلمرو زیست شناسی و ژنتیک آوازه‌ای بلند می یابد ... « صفحات ۷۴ و ۷۵

نویسنده کتاب در ذیل اقدام به سیاه‌نمایی تلویحی کرده (این بار از حضور مردم در یک کشور اروپایی) و ایرانی‌ها را عامل اصلی همه نابسامانی‌ها معرفی می کند :

« همین طور که در پشت پنجره نشسته بودم ناگهان فکری موزی و نامرغوب هم گریبانم را گرفت : اگر همین صد و سی هزار ایرانی آشنا با همه هنجارهای فرهنگی و مدنی کانادا را ، در همین کانادا ، در شهری مخصوص به خودشان و بدون آقابالاسر رها کنند ، چه مدتی لازم است تا شهری تمام عیار ایرانی ، با همه ویژگی‌ها و استانداردهای ملی فراهم آید . تحول از کجا و با کدام هنجار آغاز خواهد شد ؟ آیا شهر پس از مدتی کوتاه شهرداری دیکتاتور خواهد داشت ؟ مدیریت خان‌خانی راه خواهد افتاد ؟ روزنامه‌ها محافظه‌کار و بعد محافظه‌کارتر خواهند شد ؟ ستادی پس از ستادی دیگر مامور کارشناسی و ساماندهی خواهد شد ؟ ساختار حزب‌ها چه ؟ شمار زندانی‌ها چه ؟ ریخت و هیئت عمومی بناها چه ؟ زمین‌بازی و دلالی چه ؟ کیفیت رانندگی چه ؟ سرعت عمل چه ؟ کیفیت نظام پزشکی چه ؟ کیفیت بیمه‌ها چه ؟ کیفیت اماکن عمومی و کافه‌ها و رستوران‌ها چه ؟ قیمت‌ها چه ؟ مشتهای گره خورده چه ؟ چیزی جلو پیشرفت‌های فرهنگی و مدنی را خواهد گرفت ؟ یا مدینه‌ای فاضله فراهم خواهد آمد که دیگر مردم کانادا را دچار غبطه کند ؟

از ادامه این فکر موزی و نامرغوب منصرف می شوم . حتی فکر به ادامه این فکر کامم را تلخ می کند . ناگهان احساس می کنم که دیوار موش دارد و موش هم گوش دارد ، ناگهان به یاد می آورم که زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد . ناگهان می شنوم که کار هر کس نیست خرمن کوفتن ، گاو نر می خواهد و مرد کهن ... « صفحات ۷۹ و ۸۰

در عبارات ذیل قیاس غیرمنصفانه اوضاع و احوال هنرمندان و ادیبان در دوران صفویان ! با دوران حاضر و تحت قیومیت نظام اسلامی صورت گرفته که این فضا سازی نامتعارف باعث ایجاد اخلال و



تشکیک در اذهان مخاطبان و غیرقابل درک بودن فضای واقعی موجود در کشور برای آنها خواهد شد :

« ... باز هم یکی بود و یکی هم معلوم نبود که کجا مانده بود : از تذکره

محمدطاهر نصرآبادی چنین برمی دارم که در روزگار صفویان که هنوز تورنتو نبود ، در

برخی از شهرهای ایران محفل های قهوه خانه ای پوشیده و آشکاری وجود داشتند که

شاعران و اهل قلم و هنر در آنها گرد آمدند و درباره تازده های ادبی و یا نوشته های

پیشینیان به بحث و گفت و گو می پرداختند و احياناً کارشان بر سر باورهای دینی و

فرقه ای به مجادله و دسته بندی هم کشیده می شد . از آن میان بحثی که در میان شاعران

نقطوی و هواداران شان وجود داشت ، صدای نقطویان به خاطر فشار بیش از حد صفوی ها

بر مردم بود که برمی خاست . این فشار با خوی حساس و لطیف آنان سازگار نبود ... »

صفحه ۱۰۳۳

« ... اسکندر بیک ترکمان ، مورخ دربار شاه عباس ( ۹۸۹ - ۱۰۳۸ هجری )

می نویسد : احمد کاشی که به خود اجازه گشودن دهانش را به میل خود داده بود ،

بسیاری از تبهکاران روزگار (نویسندگان و شاعران) را به گمراهی کشانده بود و

« پادشاه صفت نژاد پاک اعتقاد ، در نصر آباد کاشان او را به دست مبارک خود شمشیر

زده و دو پاره عدل کردند . » جالب است که در آن روزگار هم مانند روزگار براهنی

یکی از چاپلوسان سرود :

از لوث هستی او شد چون چنان جهان پاک / صدر جهنم از وی گردید

پرنجاست ! ... » صفحات ۱۰۳ و ۱۰۴

ایجاد تشویش در اذهان و دادن آدرس غلط به مخاطبان ، خصوصاً جوانان با هدف تطهیر وجهه

اشخاصی که خود دارای مشکلات فرهنگی هستند ، از بزرگترین جفاها به جوانان ایرانی است . رجبی در

بسیاری از روایت های خود سیستم و نظام حکومتی مبتنی بر مردم سالاری را در ایران زیر سوال

برده است.

ظاهراً یکی از دلایل مهم و مستقیم وی نیز مهاجرت قلم به دستان که صرفاً شناسنامه ایرانی

دارند و نه عرق ایرانی ! به آن سوی آبها بوده است :





« ... من ، در طول سالهای زیادی که در اروپا بوده‌ام ، هرگز نتوانستم به این نتیجه برسم که در اروپا جز معدودی صاحب‌نام ، کسی قادر به عریان کردن باورهای خود نیست . حتی فراتر از این ، می‌توانم بگویم که اروپا دارد آرام آرام به سوی حذف باور می‌رود ! گویا استانداردهای دموکراسی اروپایی گوهر باور را بلعیده است . در حقیقت مردم‌سالاری ، بدون وجود امکان بالقوه‌ی سالاری برای مردم ، از نخست هم قبای گشادی بیش نبوده‌است و این سالارها به هزار شگرد و جادو به سالاری رسیده بوده‌اند که مردم را سالاری کرده‌اند و مردم از بیم سالاران خود ، باورهای خویش را در درون پنهان خود پرورده‌اند ! و در حقیقت ، آزادی باورها قربانی بی‌چون و چرای « مردم‌سالاری » از نخست خبیث شده‌است ... » صفحات ۱۰۷ و ۱۰۸

#### ملاحظه:

«پرویز رجبی» رئیس بخش «ایران‌شناسی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی» تحت نظارت آقای موسوی بجنوردی است. وی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی توسط ساواک از دانشگاه اخراج شد و بعد از پیروزی انقلاب نیز به جهت سوابق توده‌ای وی اجازه تدریس وی سلب گردید که در سال ۶۹ توسط دیوان عدالت اداری ملغی گردید.



## آخرازمانی در همین نزدیکی

\* نام : آخرازمانی در همین نزدیکی

\* نویسنده : احمد صدری

\* ناشر : کویر

\* نوبت و سال چاپ : اول - ۱۳۸۵



### ارائه الگویی غیر دینی برای ایران

الگوی حکومتی که احمد صدری در کتاب «آخرازمانی در همین نزدیکی» پیش روی خواننده قرار می‌گیرد و خود آرزوی تشکیل آن را دارد یک حکومت لائیک و فارغ از قید و بندهای دینی است. بدیهی است که براندازان یک حکومت نیز هیچگاه الگوی حکومت دینی را برای خود مطلوب نمی‌دانند:

« ... نه لائیسسته سرنوشت سنگ نبشته ماست و نه اصلاح دینی و نه دین سنتی .

ولی در میان امکانات عینی برای آینده ایران یکی هم تصویر دلپذیری است که من

برای تحقق آن دعا می‌کنم و امیدوارم که همه روشنفکران از اصلاح‌گرا و لائیک هم

برای واقع شدن آن بکوشند . در این نقاشی زیبا ایرانیان روشنفکر از همه ادیان و با همه

تمایلات فوق با همیاری و گفتگو و با توافق بر ساز و کارهای دموکراتیک و در چارچوب

جامعه‌ای سکولار با تسامح و بدون میل به هژمونی حذف یا تحقیر دیگران برای ایرانی

مترقی و مدرن و آباد و مردمسالار می‌کوشند ... » صفحه ۶۱

### نقد رهبری و سیاست‌های کلی در نظام اسلامی

احمد صدری در مطالب متعددی به نقد رهبری پرداخته و در مقاله « نشانگان فلج سیاسی »

چنین می‌نویسد :



« در راس ، ما یک نوع برنامه ریزی یا یک نوع سیاستگذاری داریم . این سیاست گذاری و برنامه ریزی ایدئولوژیک عمل می کند ... رهبران ، انعطاف و سازش را نمی پذیرند . نمی خواهند قبول کنند که از برخورد با واقعیت های ملموس باید در ایده آل ها و شعارهای خود تخفیفی بدهند . این امر موجب اتخاذ سیاستی می شود که در برخورد با واقعیت ها متصلب است و قابل انعطاف نیست ... » صفحه ۱۳۷

وی در ادامه رهبر را به دلیل نگاه ایدئولوژیک ، در برابر مردم غیرقابل مسئولیت پذیر معرفی می کند و می نویسد :

« به دلیل این نگاه ایدئولوژیک و آرمان گرا ، رهبران خودشان را ، اعمال خودشان را ، در برابر مردم مسئول نمی دانند. بلکه آنها تنها خود را در برابر این ایدئولوژی مسئول می دانند و این عدم مسئولیت نسبت به مردم و جامعه باعث عدم انعطاف می شود و این یکی از علل تصلبی است که در واقع موجب فلج سیاسی در جامعه می شود . آنچه در صحنه عمل روی می دهد این است که ما می بینیم خطر نزدیک است، اما به دلیل نگاه ایدئولوژیک امکان حرکت از ما گرفته می شود، چون ایدئولوژی متصلب، هر نوع سازش و کوتاه آمدن را نوعی خیانت در خلوص بر ایده آل فرض می کند . این یکی از آن دو عاملی است که ما باید از آن برحذر باشیم ... » صفحه ۱۳۹

« رهبری فکر می کند که اگر بپذیرد که ضرورت دارد کوتاه بیاید و به نحوی بیان کند که این شعار و این آرمان ما خطا بوده ، بخشی از توده مردم و پشتیبان های اصلی خودش را از دست می دهد ... امام خمینی (ره) وقتی بحث خاتمه جنگ و پذیرش صلح مطرح می شود ، نمی آید مثل یک سیاستمدار بیان کند خوب ما دیگر نمی توانیم جنگ را ادامه بدهیم بلکه می آید و آن اصطلاح معروفش را به کار می برد و می گوید من جام زهر را نوشیدم و مجبور شدم صلح را بپذیرم . در واقع او دارد با توده مردم صحبت می کند و در واقع رهبر جامعه برای جلب توده مردم به گونه ای خود را فدا می کند ... »

صفحه ۱۴۰



صدری ناجوانمردانه در ادامه با بیان اینکه « پیوسته باید جام زهری توسط رهبران سیاسی کشور نوشیده شود » تلویحاً خواستار عقب‌نشینی رهبران کشور از آرمان‌های نظام اسلامی می‌شود :

« ... سیاستمدار در یک لحظه باید احساس کند که قسمتی از ایده‌آل‌هایش

غیرقابل دستیابی است... این جام زهر باید جام زهری باشد که تجرع شود و لحظه لحظه

نوشیده شود ... این خوب است که باید سازشکاری کرد، اما این امکان هم وجود دارد

که کسی بیاید و بگوید من جام زهر را نمی‌نوشم. همانطور که گفته‌ام ما تا لحظه آخر ،

تا قطره آخر خون خود ایستاده‌ایم، بگذارید ایران نابود شود و همه مردم کشته شوند،

اما ما سازش نمی‌کنیم . یک سیاستمدار عقب مانده و غیر واقع‌گرا این طوری فکر

می‌کند.. نکته مهم این است که نباید جام زهر را یک باره نوشید ، یک سیاستمدار باید

به فکر سازش باشد . « صفحه ۱۴۱

نویسنده کتاب به نقد رابطه ولایت‌پذیری در یک نظام ولایی می‌پردازد ، با این توجیه که در این

نوع نظام‌ها کار کارشناسی ، صورت نمی‌گیرد و صرفاً براساس آرمانها عمل می‌شود:

« در مورد مثال جنگ این کاملاً درست است . شاید این آخرین موردی باشد که

در تاریخ ۲۵ ساله ، این رابطه مریدی و مرادی وجود داشت . همان‌طور که فرمودید در

واقع آن گنجی و گنگی که بعد جنگ رخ داد به یک مفهوم می‌شود گفت شروع نهضت

دوم خرداد یا شروع نهضت اصلاحات بود . در واقع ختم این جریان که یک عده‌ای،

حتی افراد بسیار عاقل این گروه فرض را بر این قرار می‌دادند که فردی که در راس

امور هست ، به دلیل متافیریک ، یا به علت کانال‌های شخصی که دارد، همه چیز را

می‌داند ... به نظر من جایی که این رابطه مریدی و مرادی وجود دارد کار خیلی

مشکل‌آفرین است و در زمان جنگ تحمیلی مشکل‌آفرین بود . اما واقعیت این است که

در تمام بحران‌هایی که ما در سیاست خارجی با آن مواجه بودیم و دست و پنجه نرم

کردیم بحران‌هایی که ما را در هر مورد به خاک بردند و ما را ضربه فنی کردند . این



رابطه مریدی و مرادی وجود نداشته است. بلکه رابطه‌ای که در روانشناختی اجتماعی به آن خضوع در برابر فرد اقتدارگر مطرح می‌شود وجود داشته است. نمی‌توانم بگویم ضرر چنین رابطه‌ای بیشتر از آن رابطه‌ی مریدی و مرادی است یا کمتر. ولی در هر دو مورد ما با نظامی مواجهیم که در آن اظهار نظر و تفکر فردی تعطیل است.» صفحه ۱۴۹

#### ملاحظه:

«احمد صدری» استاد جامعه‌شناسی و مطالعات اسلامی و رئیس گروه جامعه‌شناسی دانشگاه لیک‌فورست در شیکاگو آمریکاست.

وی از جمله روشنفکرانی است که معتقد به اصلاح دینی است و از نظر وی نباید حکومت و جامعه را بر اساس دین اداره کرد.

احمد صدری معتقد است که بهره‌گیری از اصول سکولاریسم باعث تقویت دین در جامعه می‌شود.

اسم و امضای صدری به صورت ثابت در اکثر بیانیه‌هایی که علیه نظام اسلامی صادر شده است، به چشم می‌خورد.



## بطالت



\* نام : بطالت

\* نویسنده : احسان نوروزی

\* ناشر : چشمه

\* نوبت و سال چاپ : زمستان ۱۳۸۶

## زیر سوال بردن تلویحی نظام اسلامی و سیاست‌های آن

در کتاب « بطالت » مواردی وجود دارد که خواننده با مطالعه آن قطعاً نکاتی را به خاطر می‌آورد که برخی گروه‌های ضدنظام بر روی آن تاکید می‌کنند و آنها را به نظام اسلامی نسبت می‌دهند. علی‌رغم تاکید نویسنده به تخیلی بودن داستان، باز هم نمی‌توان این امر را پذیرفت و نسبت به اینگونه موارد بی‌اعتنا بود. نویسنده کتاب به صورت تدریجی و آهسته خواننده را به جنگ‌های چریکی تشویق می‌کند:

« ... اولین چیزی که در این شهر یاد می‌گیری این است که خواب‌هایت را

فراموش کنی، چون چیزی که در بیداری می‌بینی خودش تحقق خواب‌هاست...» صفحه ۸

وی سپس به توصیف شهر می‌پردازد :

« ...خیابان‌های این شهر رو می‌شه فقط در سرمای زمستان‌ها تحمل کرد که مردم

از سرما سر به لباس‌هاشون می‌برن و با هم حرف نمی‌زنن، شیشه‌های ماشین‌ها بالا

کشیده و کیپ می‌شوند و صدای بوقی هم شنیده نمی‌شود. خوش اقبال باشی که چنین

زمستونی رو به عمرت ببینی ... تصویرپرستی در این شهر معنی نمی‌دهد چون واقعیت

واقعی تر از آن است که به چیزی غیر اجازه خلق دهد. تلویزیون‌ها واقعی تر از

واقعیت‌اند، نوشته‌ها عین واقعیت‌اند. واقعیتی که تخیلی را بر نمی‌تابد ... اگر پی چیزی

غیر از شهر می‌گرددی باید راهی زیرزمین‌ها شوی ... در گورستان سلول‌های مغزهای

بچه‌های عقل‌گریز دانشکده مدفون می‌شوند تا صحبت‌ها گل کند و شروع شود



ساعت‌ها و راجی بی‌امان درباره چیزهایی که تلنبارشان در سر باقی دانشجویان به شکل تومور مغزی بروز می‌کرد، ولی گروهی از ما با وراجی در زیرزمین مخفی دانشکده آن‌ها را تخلیه می‌کردیم... هر روز فهرستی رو می‌زدن دم در که مشکوک به تومور

تشخیص داده شده بودن و باید خودشان را معرفی می‌کردن... « صفحه ۲۱ و ۲۲

نویسنده کتاب آنگاه خصلت‌های مردم این شهر را خبرچینی و جاسوسی برای حکومت عنوان

می‌کند:

«... جماعتی انبوه داوطلب می‌شدند که کپه‌های زباله که جا به جا به جای دانشکده تلنبار شده بودند را جمع کنند چون مستخدمین گرفتار خبرچینی درباره میزان روابط نسوان و رجال و محاسبه‌ی فواصل آن‌ها به هنگام عبور از کنار هم بودند، اگر عدد مجموع این فواصل از رقمی خاص بیشتر می‌شد عزای عمومی اعلام می‌کردند و برای رفع بلای آسمانی ناشی از این معصیت، به هر کسی شلاقی مجانی داده می‌شد تا هنگام

ورود به دانشکده، به تعداد نیاز بر پشت نفر جلویی بکوبد... « صفحه ۲۳

نویسنده تنها راه فرار از این شهر، روی آوردن به شیوه جنگ چریکی است:

«... تو این فکر بودم که باید برای رفتن از شهر، به شیوه باقی شکست‌خوردگان عمل کنم و به امید بخت و اقبال باشم (بختی که پیشگویی‌های آزاده در چند روز بعد، امیدی بهش باقی نگذاشت)؛ باید مثل مهدی به شیوه چریکی از میون راه‌بندها و ایست‌های بازرسی و مناطق مین و گشت‌های هوایی و سیم‌خاردهای برق‌دار می‌گذشتم تا شاید اون جور که شایعه‌ها می‌گفتند به جایی برسم که همه دون‌کیشوت‌ها و گالیورها و کریستف‌کلمب‌ها جمع‌اند. البته همه این‌ها به شرطی بود که مثل مهدی در حال شاشیدن روی مین‌ها گیرم نندازن، یا مثل اون دختری نشم که داشت از سیم‌خاردها بالا می‌رفت و نگهبان منطقه برق‌رو وصل کرده بود و دخترک‌رو تاکسی‌یی

که رد می‌شده به خونه برده... « صفحه ۵۵ و ۵۶

ملاحظه:

«احسان نوروزی» از نویسندگان حق‌التحریر روزنامه توقیفی «شرق» بود که یک اثر داستانی را

در کارنامه خود دارد.



## در یک خانواده ایرانی



\* نام : در یک خانواده ایرانی

\* نویسنده : محسن یلفانی

\* ناشر : نی

\* نوبت و سال چاپ : اول ، ۱۳۸۷

### تلاش برای مقابله با حکومت

در کتاب «در یک خانواده ایرانی» داستان خانواده ای روایت می شود که دخترشان در اوایل انقلاب به دلیل عضویت در گروهک منافقین و جنگ مسلحانه با حکومت اسلامی کشته شده است و در یکی از سالگردهایی که خانواده دختر بر سر مزار وی می روند مراد ، پسر خانواده در گفت‌وگویی با خواهرش از وی می‌خواهد که راه مقابله با حکومت را به وی بیاموزد :

« مراد : مژده ، به من بگو چه طور می‌شه نترسید . چه طور می‌شه جلو اون‌ها واساد

و نترسید ؟

مژده : تو دیگه حالا برای خودت مردی شده یی . من دیگه نمی‌تونم به سوال‌های

تو جواب بدم .

مراد: رازش رو به من بگو ، مژده . تو چه طور تونستی نترسی و جلو اون‌ها واسی؟

مژده : (روبه‌روی او می‌ایستد و دست روی بازویش می‌گذارد.) این قدر از خودت

بازخواست نکن . این جور وجدانت رو عذاب نده . تو هیچ چیز به هیچ کس مدیون

نیستی و هر اتفاقی افتاده ، تو مسئولیتی نداری . مراد ، من تنها چیزی که از تو می‌خوام

اینکه که بدونی چه قدر ، چه قدر تو رو دوست داشتم ...





مراد: مزده، من نتونستم برای تو کاری بکنم. من می دونم که نتونستم برای تو

کاری بکنم ... « صفحه ۳۶ و ۳۷

#### ملاحظه:

«محسن یلفانی» عضو سابق چریک‌های فدایی خلق و عضو کنونی «شورای جمهوری خواهان لائیک» است که مقر آن در فرانسه است. وی از رفقای نزدیک «سعید سلطانی‌پور» بود که در سال ۶۰ اعدام شد. وی بعد از فرار از کشور در کنار افرادی چون «نسیم خاکسار»، «اسماعیل خویی» و ... قرار گرفت و به فعالیت علیه نظام اسلامی مشغول شد.



## فاله بازی



\* نام : خاله بازی

\* نویسنده : بلیقیس سلیمانی

\* ناشر : ققنوس

\* نوبت و سال چاپ : دوم ، زمستان ۱۳۸۷

## حمایت از مبارزه مسلحانه علیه نظام اسلامی

نویسنده در بخش های متعددی از کتاب «خاله بازی» به تخریب نظام اسلامی به صورت غیرمستقیم پرداخته است ، وی درصدد است که به خواننده القا کند فکر و اندیشه در این نظام دارای جایگاهی نیست (با استفاده از وجوه تمثیلی) و مروج خشونت است . وی با قرار دادن یک شخص به مثابه نماینده یک نظام فکری چنین می نویسد :

« ... او مثل یک حریف قدر اول سعی در بزرگ نمایی آدم ها و اندیشه ها می کرد و در نهایت چنان آن ها را ویران می کرد که گویی هرگز وجود نداشته اند و اگر داشته اند بی اهمیت بوده اند. نمی دانم چرا در نفی های او خودم را می دیدم که کوچک و کوچک تر می شوم . به همین دلیل بود که سعی می کردم آدم ها و اندیشه هایی را که او به خاک نشانده بود، از خاک برکشم و بر صدر بنشانم، انگار وارد یک جنگ تن به تن شده بودم. این جنگ بعدها در گوشه و کنار دانشگاه، هر وقت او را می دیدم ادامه داشت. به نظرم حضور نوچه های کوچک و بزرگ شعاعی که تحسین کنندگان همیشه اش بودند، وادارم می کرد، به قیمت انگشت نما شدن و احتمالاً احضارهای گاه و بیگاه به کمیته انضباطی دانشگاه، روبروی او بایستم و با او مجادله بکنم ...» صفحه ۱۲۶

و نظام را به خشونت متهم می کند :



« ... تمام مدتی که منتظر او هستم ، صدای دکتر میلانی را می شنوم که دربارهٔ  
 گول خشونت که از شیشه بیرون آورده شده بحث می کند. به نحو حیرت انگیزی ذهنم  
 روشن و روح آرام است ... » صفحه ۱۳۱

نویسنده حتی نظام را متهم به عدم تامین امنیت شهروندانش می کند :

« ... وقتی از جلوی دانشگاه ملی رد می شویم و حصار طولانی زندان اوین را  
 می بینم، آه می کشم و می گویم: « چه نفس ها که این جا حبس هستند. »

می پرسد : « کسی را در زندان دارید؟ »

می گویم : « قوم و خویش نه ، اما یکی از دوستان خوبم هفت سال این تو بوده و  
 حالا بیرون اومده، یه جورایی از دست رفته . »

نمی پرسد چرا یا چطور از دست رفته است . به ناچار خودم می گویم : «  
 مالیخولیایی شده ، از همه می ترسه ، با هیچ کس رفت و آمد نمی کنه و یه جورایی دلش  
 می خواد دوباره برگرده زندان . »

می گوید : « امنیت ، احساس امنیت . »

نمی دانم منظورش این است که بیرون احساس امنیت نمی کند و در زندان  
 احساس امنیت می کند یا اینکه به طور کلی احساس امنیت نمی کند... » صفحات ۱۳۶ و ۱۳۷

بلقیس سلیمانی که در بخشی از کتابش ، خاطرات دهه اول انقلاب را در دیالوگ های  
 شخصیت های داستان به خواننده یادآور می کند با چنان نفرتی از آن سال ها یاد می کند که گویی  
 سال هایی پر از نفرت و خشونت بوده است :

« ... « خب شام چه بخوریم . »

« املت ، اگه گوجه فرنگی داری ، به یاد اون سال ها . »

« حتماً توی شیشه های مربا هم باید جای بخوریم به یاد اون سال ها . »

« سال های نکبتی بودن ، ولی نمی دونم چرا با حسرت نگاهشون می کنیم ؟ »

« حس نوستالژیک ، گذشته ... »

« گند بزبن به هرچه گذشته است ، مثل زنجیر به پاهامون چسبیده، نمی ذاره



تکون بخوریم . ...

« تو فکر می کنی، می شه گذشته رو بازسازی کرد ؟ » ...

« بعضی ها معتقدند هیچ چیز قابل بازسازی نیست. اکنون میان دو هیچ . . . »

صفحات ۱۷ و ۱۸

نکته قابل توجه در کتاب « خاله بازی » نوعی یادآوری رفتارهای تشکیلاتی گروه‌های معارض

با نظام اسلامی در اوایل دهه ۶۰ است که اگرچه به سرانجام نرسید اما مورد استفاده نویسنده قرار

گرفته است تا به خوانندگان یادآوری کند که می توان اینگونه رفتار کرد :

« ... برای این که حرفی زده باشم تا سردی و رخوت ایجاد شده را از بین ببرم،

گفتم : « این نشون می ده اون ها خیلی از حرکت های دانشجویی می ترسند . »

مهندس نوحی گفت : « حرکت های فردی بدون جهت ، کاری از پیش نمی بره . »

گفتم : « به هر حال خوابشون رو آشفته می کنه . » ... » صفحه ۱۱۹

ملاحظه:

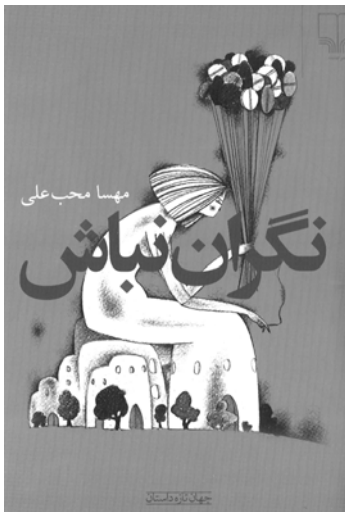
«بلقیس سلیمانی» کارشناس ارشد فلسفه است و تاکنون مقالات زیادی را در نشریات منتشر

کرده است. یکی از آثار وی با نام «بازی عروس و داماد» در جشنواره «مهرگان» مورد تقدیر قرار گرفت.

وی در برخی آثارش دیدگاه‌های فمینیستی و شبه‌مارکسیستی را ترویج می کند.



## نگران نباش



\* نام : نگران نباش

\* نویسنده : مهسا محب علی

\* ناشر : چشمه

\* نوبت و سال چاپ : اول ، زمستان ۱۳۸۷

## تبلیغ و ترویج عملیات خرابکاری و براندازی

مهسا محب علی در کتاب «نگران نباش» درصدد است تهران را در هنگام زلزله مخوف توصیف کند. وی با نگاهی شبه براندازانه و با توصیفات و توضیحات مکرر درباره آشوب‌های خیابانی در خلال زلزله و نحوه عمل گروه‌های معترض به حکومت تلویحاً راهکار مقابله با حکومت را در مواقع بحرانی خواستار می‌شود، ضمن اینکه چهره‌ای منفی و خشن از نیروهای انتظامی نشان می‌دهد که درصدد سرکوب مردم هستند.

«مهسا محب علی» در داستان خود هنگام زلزله شهر تهران، گروه‌های معترض را نشان می‌دهد که درصدد تسخیر شهر می‌باشند، گروه‌هایی که هر یک قصد دارند کنترل بخشی از شهر را در دست بگیرند تا نظام اسلامی را با چالش سقوط مواجه کنند. در ابتدای داستان نویسنده تجمعاتی مانند حضور در میدان محسنی را به مخاطب یادآوری می‌کند تا در ادامه مباحث را سریع‌تر پیش ببرد:

«... حتماً مثل شب‌های فوتبال همه قرار گذاشته‌اند میدان محسنی. الان است که

کله‌اش بیاید توی چارچوب و بگوید که همه اُرکاتی‌ها قرار گذاشته‌اند فلان جا...» صفحه ۱۵

«... آرش با موهای ژل زده روبه رویم نشسته ... با دهان پر دارد بیانیه صادر

می‌کند؛ شهر تو دست ماست. همه‌ی ترسوها دارن می‌زنن به چاک ...» صفحه ۲۰

وی در ادامه از قول یکی از شخصیت‌های داستان آرزویش را مقابله با حکومت عنوان می‌کند:

«... آرش سرش را می‌آورد جلو، دم گوشم زمزمه می‌کند؛ تهرون داره بندری



می‌زنه تا هر چی نامرد و آشغال و عوضیه از شهر بزنه بیرون ...

که چی بشه ؟

چی بشه ؟ زکی ! خب شهر می‌افته دست ما ...

از کجا معلوم آشغال‌ها و عوضی‌ها نمونن تو شهر ؟

هه ... آدم نامرد که وانمی‌سته، می‌زنه به چاک ... جیگر داراش وامی‌ستن ...

کاش همه چیز همین طوری بود . کاش من هم چند سال دیرتر به دنیا می‌آمدم.

کاش من هم توی مدرسه‌ی غیرانتفاعی درس می‌خواندم، دانشگاه آزاد می‌رفتم و راه به

راه سیگاری بار می‌زدم. آن وقت الان حتماً همراهت می‌آمدم میدان محسنی تا لاستیک

آتش بزنیم، سنگر ببندیم و شهری را که زده به سرش و دارد بندری می‌رقصد به دست

بگیریم، از خودمان هم نپرسیم چه گهی داریم می‌خوریم ... « صفحه ۲۳

نویسنده در بخش‌های میانی کتاب به تجمعات افراد معترض اشاره می‌کند و می‌نویسد :

« ... تا می‌پیچم توی خیابان اصلی دو تا پسر مونگرویی که اسکیت پای‌شان است

بهم تنه می‌زنند و توی شلوغی گم می‌شوند . یک گله پسر و دختر فنچی [کوچولو]

از خیابان دربند بیرون می‌آیند. سردسته‌شان عقب‌عقبکی راه می‌رود و

دست‌هایش را توی هوا تکان می‌دهد . همه اخم‌هایشان تو هم است و از ته حلق فریاد

می‌زنند. پسری که گوشی موبایل توی دستش است در گوش سردسته چیزی می‌گوید.

سردسته جلد می‌پرد روی سقف پژیوی و دست‌هایش را بالا می‌برد. نفس‌های‌شان توی

سینه حبس می‌شود. چه می‌خواهد بگوید ؟

بچه‌ها میدون نارمک هم سقوط کرد ... شهر تو دست ماست ...

فریاد می‌کشند ، بالا و پایین می‌پرند ، سوت بلبلی می‌زنند و از ته ته روده‌هایشان

جیغ می‌زنند. پسرها فنچ‌ها را قلم دوش می‌کنند. فنچ‌ها دست را بالای سر می‌برند و دم

می‌گیرند ؛ شهر شهر ماست یار گله داره ... سیاهی حق ماست یار گله داره .

دو سته تا از او‌های‌شان می‌پرند وسط و قرهای عربی می‌دهند و فنچ‌ها هم

وسط‌شان می‌لوند ...



دور تا دور میدانِ تجربیش بنرهای نیروهای ویژه پارک شده و روی چمن‌های  
وسط میدان دو تا هلیکوپتر نشست. حتماً قرار است زلزله ی بعدی از آسمان بیاید ... »  
صفحات ۷۳ و ۷۴

نویسنده در ادامه به توصیف ماموران امنیتی می‌پردازد و چنین می‌نویسد :  
« ... مامورهای گارد ویژه با سپر و ماسک ضد گاز ، عین سوسک‌های توی کارتن  
هاج زنبور عسل ، معلوم نیست از کجا پیدایشان می‌شود و دور تا دور میدان می‌ایستند .  
رئیس‌شان مدام توی بی‌سیمش چیزهایی می‌گوید . حتماً به صورتش اسپری بی‌حسی  
زده ؛ هیچ‌جای صورتش موقع حرف زدن تکان نمی‌خورد .

حالا فنچ‌ها با هی‌هو و هی‌هو جلو و عقب می‌روند و تن‌شان را به سپرهای گارد  
ویژه می‌سایند. جلو و عقب می‌روند و هی‌هو می‌کنند ... حالا فنچ‌ها عقب می‌نشینند.  
دست و پایی روی زمین کشیده می‌شود . دهانی باز می‌شود . فریادی ...

بلوز شلوار کماندویی ... پوتین‌هایی که به پایش لق می‌زند ... فریاد می‌زند ...  
میان دست‌های مامورها دست و پا می‌زند ... تو این‌جا چه کار می‌کنی ؟ این چه لباسی  
است ؟ موهایت چرا روی آسفالت کشیده می‌شود ؟ لگدشان نکنید ... فریاد می‌زند و آن  
پشت‌ها میان ماشین‌های سیاه گم می‌شود ...

با آرنج صف لباس سبزها را می‌شکافم . سینه‌های لباس سبزها سد راهم  
می‌شوند . مادر بزرگم ... روی پنجه‌ی پا بلند می‌شوم ... کجا می‌بریدش ؟ ...

فریادم توی هوا گم می‌شود . فریادهایش توی هوا گم می‌شود ... به طرفم  
می‌دود . از دست‌شان فرار کرده . اسم من را فریاد می‌زند . ضربه‌ای به پشت زانوهای  
قدم‌هایش توی هوا می‌ماند . موهایش روی زمین کشیده می‌شود .

باید صف‌شان را بشکافیم . باید بگویم مادر بزرگم است ، که آلزایمر دارد ، که ...  
باتوم بالا می‌رود ... فکم داغ می‌شود ... پهلوهایم تیر می‌کشد . دست‌ها را حایل سر  
می‌کنم . بازوهایم تیر می‌کشد . هو... هو... هو... دیوار گوشتی عقب می‌کشاندم . میان  
دست و پاها گم می‌شوم . درد از توی گردنم پایین می‌رود و خودش را توی تنم ول



می کند . جمعیت مثل ژله جلو و عقب می رود ، جلو و عقب می رود و سیاه می شود ... »

صفحات ۷۵ و ۷۶

« ... نامردها بد می زنن. دم پاساژ تندیس هم چند نفرو ناکار کردن . می گن

بازداشتگاهها دیگه جا نداره ، دستور دارن بززن ...

کدوم بازداشتگاه می برن شون ؟

معلوم نیست ، هر جا دست شون برسه ...

کدوم بازداشتگاه ؟

معلوم نیست . نگران نباش . شهر تو دست ماست . تا فردا صبح دووم بیاره حله .

می گن رسالت هم دست خودمونه .

این را دختر ریزه‌ی مدل فنچی‌یی که به دیوار تکیه داده می گوید و سیگارش را

با شعله پخش کن روشن می کند .

ماها باید بریم میدون ونک . این جا داریم وقت تلف می کنیم ... » صفحات ۷۸ و ۷۹

نویسنده در بخش‌های انتهایی کتاب هنگامی که دعوی دو نفر را توصیف می کند با ذکر هرج و

مرج بعد از آن دعوا ، تلویحاً مردم را به آشوب و شورش دعوت می کند :

« ... چندتای شان جوگیر شده‌اند و همین طور هر چی را دم دست شان است با

چوب و چماق‌های شان داغان می کنند. شیشه‌های مینی‌بوسی را خرد می کنند و بعد

آن قدر جلو و عقب تابش می دهند تا چپه شود ...

حالا دکه‌ی بلیت‌فروشی هم داغان شده. یکی شان با قمه‌ی آقا غلام که حالا توی

دست‌های اوست می دود به طرف مغازه‌ی آقا رضا و نعره می زند . آقا رضا می خواهد

فرار کند که می افتد زیر دست و پا .

شیشه‌های مغازه اش پودر شده و غیر از جوان‌ها، پیرزن‌ها و پیرمردها هم

ریخته‌اند تویش و دارند غارت می کنند. شیشه‌های میوه‌فروشی و قصابی هم پایین

می آید . نمی دانم کرکره‌های آن را چه طور باز می کنند . پیرزنی یک ران گنده‌ی

گوسفند را زده زیر بغلش و دارد تند می دود . حالا آن طرف میدان شیشه‌های تعاونی





شهر و روستا را پایین می آورند. به دکه‌ی آلفروشی دایی حمزه هم رحم نمی کنند ...  
 دوتا مرد کچل دو طرف یک گونی برنج را گرفته اند و می کشند . یکی شان گونی  
 را ول می کند و یک هوک چپ می زند زیر چانه‌ی آن یکی . طرف پخش زمین می شود.  
 یارو گونی را برمی دارد و راه می افتد که آن یکی بلند می شود و پشت یقه اش را  
 می چسبد و هوک راست را می رود توی چانه اش ...  
 حالا سه هلی کوپتر دارند بالای میدان می چرخند . توی بلندگو مردم را به آرامش  
 دعوت می کنند . ارتفاع شان را کم می کنند و باد بال‌های شان همه چیز را به پرواز  
 درمی آورد. حالا دیگر چشم چشم را نمی بیند. گرد و خاک همه جا بلند می شود .  
 پاشو کراسوس ... پاشو بریم یه جایی قایم شیم . الان همه فرار می کنن اون وقت  
 می آن من و تو رو می گیرن ...

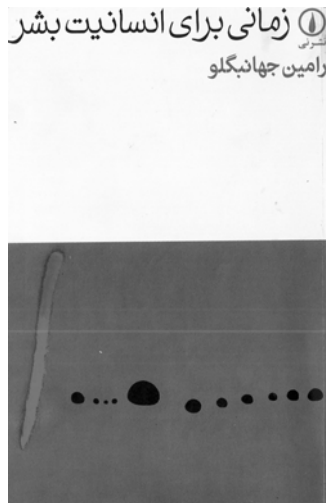
سه تا مینی بوس و چند تا بنز نیروی انتظامی هم حالا دارند سربالایی میدان را بالا

می آیند و مامورها از توی شان بیرون می ریزند ... « صفحات ۱۱۶ ، ۱۱۷ و ۱۱۸

#### ملاحظه:

«مهسا محب‌علی» متولد سال ۱۳۵۱ در تهران و از جمله نویسندگان غیرارزشی است. وی  
 تاکنون برنده جوایز ادبی‌ای چون «گلشنیری»، «منتقدان و نویسندگان مطبوعات» و «مهرگان»  
 شده است و علی‌رغم جوانی، به عنوان داور در جوایز فوق انتخاب شده است.  
 کتاب «هفت یا ده دانای کل» وی سال گذشته لغو مجوز شد. محب‌علی کارگاه داستان‌نویسی  
 خود را در کارگاه داستان شهر کتاب تحت نظر سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران برگزار می کند.





## زمانی برای انسانیت بشر

\* نام : زمانی برای انسانیت بشر

\* نویسنده : رامین جهانبگلو

\* ناشر : نی

\* نوبت و سال چاپ : اول ، ۱۳۸۷

### تئوریزه کردن انقلاب‌های مخملین

اگر کسی تا حدودی با سابقه جهانبگلو آشنایی داشته باشد متوجه می شود که وی علاقه زیادی به اجرای پروژه‌های انقلاب‌های مخملین (رنگین) در ایران دارد . چاپ سخنرانی او در خانه هنرمندان ایران به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد جنبش همبستگی در لهستان ، گواه این مدعاست .

باید دانست که روز ۲۶ بهمن ۱۳۸۴ ، کاندولیزرا رایس به ساختمان کنگره ایالات متحده آمریکا رفت و درخواستی مبنی بر افزایش بودجه ۷۵ میلیون دلاری انقلاب مخملین ایران ، با هدف حمایت بیشتر از فعالیت های اپوزیسیون سیاسی داخل کشور ارائه کرد . او در سخنرانی آن روز خود خواستار توجه ایرانیان به شیوه عمل سیاسی جنبش همبستگی لهستان شد . جنبشی که لهستان کمونیستی را از میان برداشت ، اما آن را زیر چتر واشنگتن برد .

جهانبگلو در سال ۱۳۸۳ به لهستان سفر کرد و به دیدار رئیس جمهور و رهبران سیاسی و امنیتی آن کشور رفت تا از نزدیک تحولات فروپاشی بخش‌هایی دیگر از اروپای شرقی چون اوکراین را نظاره کند . در اردیبهشت ۱۳۸۴ ، آدام میچینک و الکساندر اسمولار ، دو رهبر جنبش همبستگی لهستان در کنار آگنیش هلر ، از طراحان صهیونیست فروپاشی مجارستان در جنگ سرد ، به تهران آمدند . آنها روزهای پی در پی به خانه هنرمندان ایران رفتند و با عنوان « معماران گذار به دموکراسی در اروپای شرقی » چندین سخنرانی و نشست را برگزار کردند .

این موضوع نشان دهنده پیوند میان سیاست‌های ایالات متحده و انقلاب‌های رنگین در اروپای شرقی می باشد . ارتباط و آشنایی جهانبگلو با رهبران انقلاب رنگین لهستان و سپس دعوت از آنان برای



سفر به تهران ، بیانگر آن است که پروژه لهستانیزه کردن ایران از طریق تجارت انقلاب رنگی لهستان ، امری قطعی بوده است . آدام میچینک که در اردیبهشت ۱۳۸۴ به ایران آمد ، رهبر « جنبش همبستگی لهستان » از سرسخت ترین مخالفان رژیم کمونیستی بود. جهاننگلو به خیال خود بنا داشت تا راه انقلاب مخملی ایران را از لهستان گذر دهد . او در سخنرانی اش برای سیاست سازان آمریکایی (۴ ژوئن ۲۰۰۳ میلادی) در مرکز بین المللی محققان وودرو ویلسون ، موقعیت کنونی نظام جمهوری اسلامی را به روزهای پایانی حیات اتحاد جماهیر شوروی تشبیه کرد . به لهستان نیز در مقام نخستین کشوری نگاه می کرد که هنگام جنگ سرد توانسته بود مدل بدون خشونت گذار به دموکراسی سازی آمریکایی را ارائه دهد .

جهاننگلو در سخنرانی در خانه هنرمندان ایران ، به دنبال اجرای تاکتیک های جنگ نرم لهستان در ایران است:

« تفاوت اصلی جنبش دموکراتیک لهستان با انقلاب مجارستان در ۱۹۵۶ در

نحوه عمل خشونت پرهیزی بود که جنبش همبستگی و طرفداران دموکراسی در لهستان

اتخاذ کردند . آنها بدون داشتن آرمان سیاسی مشخصی و یا اطاعت و پیروی از اهداف

حزبی خاص ، با ارجاع به مفهوم حقوق شهروندی آگاهی جدیدی در میان شهروندان

لهستان و سایر کشورهای اروپای شرقی ایجاد کردند . « صفحه ۳۶

او در حقیقت ، خواستار تحقق آرمان های لیبرال و سکولار خود از طریق « خشونت پرهیزی »

است . این سرفصل ، تنها یکی از ویژگی های جنگ نرم به منظور تحقق انقلاب رنگین است .

#### ملاحظه:

«رامین جهاننگلو» خواهرزاده «سیدحسین نصر» (رئیس دفتر فرح پهلوی) و از اعضای بنیاد

مطالعات ایران (زیر نظر اشرف پهلوی) است. وی از شیفتگان نظرات سیاسی و فلسفی «آیزایا برلین»

فیلسوف یهودی و صهیونیست است و عمده نظریات خود را با آن هماهنگ می کند. جهاننگلو در دوران

اصلاحات از جمله مدعوین به دانشگاه های ایران بود و به تبیین نظریات ضداسلامی خود می پرداخت.

وی با هماهنگی با دولت اصلاحات جلساتی را در خانه هنرمندان برای افرادی که نظریات غیراسلامی

داشتند برگزار می کرد. وی در اردیبهشت سال ۱۳۸۵ به جرم اقدام برای براندازی نرم توسط نهادهای

امنیتی دستگیر شد.



## درباره ناشران

در این بخش به معرفی ناشران پرداخته می‌شود که آثارشان در موضوع براندازی نرم و مقابله با نظام اسلامی منتشر شده‌است.

### انتشارات «نی»

انتشارات «نی» به مدیرمسئولی «جعفر همایی» در سال ۱۳۶۴ در تهران تاسیس شد و در زمینه‌های اقتصاد، جامعه‌شناسی، فلسفه، تاریخ سیاسی، هنر و سینما به چاپ کتاب مشغول است.

جعفر همایی که علاوه بر مدیریت نشر نی، عضو مرکزی هیات مدیره اتحادیه ناشران است، در اقدامی هماهنگ با دیگر ناشران اقدام به تحریم بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب کردند. کمااینکه در هنگام آغاز به کار نمایشگاه، جزء ناشرین شرکت‌کننده در آن بودند.

همایی در عین حال یکی از منتقدان جدی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت نهم محسوب می‌شود. وی در اعتراض به عملکرد ارشاد از فروش کتاب‌های خود به هیات خرید کتاب وزارت ارشاد، خودداری کرد و نامه‌ای سراسر انتقادی به معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این زمینه ارسال کرد.

نشر نی تاکنون ناشر برگزیده سال ۱۳۸۱، ناشر برگزیده ۱۳۷۹ و ناشر برگزیده سال ۱۳۷۶ لقب گرفته است و تمام این برتری‌ها در زمان حاکمیت مدعیان اصلاح‌طلبی برای نشر نی به دست آمده‌است. این انتشارات با شمارگان بیش از ۴۵۰ هزار جلد کتاب (اعم از چاپ و تجدیدچاپ) در حوزه علوم انسانی فعالیت بسیار جدی برای ترجمه و تبیین اندیشه‌های مدرن و پست مدرن دارد. بیشتر ترجمه‌ها و آرای حلقه کیان را در قالب کتاب عرضه می‌کند. نشر نی در تبیین آرای سوسیالیسم و نولیبرالیسم به طور توأمان شتاب دارد از همین رو مبلغ مباحث حلقه‌های نظری فرانکفورت، وین، شیکاگو و اندیشمندان انگلی (انگولاساکسون) مورد توجه این موسسه است. فعالیت‌های نشر نی اغلب ترجمه و تبیین اندیشه‌های غربی است و اعتنای اندکی به مباحث نظری بومی دارد.



به طور مثال در مباحث « فلسفه و فلسفه سیاسی » از ۴۵ اثر منتشر شده تنها ۶ مورد تالیف بوده و بقیه ترجمه است از این ۶ مورد نیز پنج عنوان آن یعنی « تعاملات هگلی » و « حاکمیت و آزادی : درسهایی در زمینه فلسفه سیاسی غرب » هر دو اثر « رامین جهاننگلو » ، « تاریخ اندیشه‌های سیاسی (۱) : اندیشه‌های مارکسیستی » ، « تاریخ اندیشه‌های سیاسی (۲) لیبرالیسم و محافظه‌کاری » هر دو اثر « حسین بشیریه » و « هوسرل در متن آثارش » اثر « عبدالکریم رشیدیان » همگی به شرح و بسط آرای اندیشمندان غرب نظر دارد و تنها یک اثر یعنی « دین و فلسفه » از نگاه « ابن رشد » تالیف « صادق آینه‌وند » به اندیشه‌های شرقی - اسلامی ناظر است.

در بخش « سیاست و تاریخ » آثار تالیفی این ناشر بیشتر است اما باز هم ناظر به اندیشه‌های غربی است و در این بخش ۳۱ اثر عرضه کرده که ۱۳ اثر آن دغدغه‌ها را نسبت به هویت اسلامی و شرقی در جهان معاصر به بحث گذاشته شده است. « اسرار کودتای سی.آی.ای » از « حمید احمدی » توجه به مباحث تاریخی ، « اسلام و دموکراسی مشورتی » از « منصور امیراحمدی » نسبت اسلام و سیاست ورزی غربی و « بنیادهای علم سیاست » از « عبدالرحمان عالم » کتاب قابل توجهی درباره مبانی علم سیاست است اما این مبانی را تنها براساس تعاریف فلسفه سیاسی غرب به بحث می‌گذارد مانند « حکومت ولایتی » از « محسن کدیور » که به تعبیر مولف ، قصد زدن پنبه ولایت فقیه را دارد .

در مباحث جامعه‌شناسی ، مردم‌شناسی و روانشناسی اجتماعی نشر نی ۶۷ اثر عرضه کرده است که ۱۷ اثر تالیفی است . گرچه در این تالیفات نیز مباحث اندیشمندان غربی که مبنای تولید فکری نیستند مورد توجه قرار گرفته اما آثاری چون «گفتمان‌های هویتی ایران» ، «نظریه‌های جهانی شدن و دین» از « حسین کچوئیان » در خور توجه‌اند ، در مقابل آثاری نیز وجود دارد که جامعه شناسی و دغدغه‌های فرهنگی - هویتی ایرانیان را با الگوهای غربی تحلیل می‌کند از جمله این آثار «هویت ایرانیان امروز» از « فرهنگ رجایی » ، « جامعه‌شناسی خودکامگی » از « علیرضا قلی » ، « جامعه‌شناسی نخبه‌کشی » از « علیرضا قلی » ، « درس‌هایی از فلسفه علم الاجتماع » از « عبدالکریم سروش » و « جامعه شناسی قیام امام حسین (ع) » از « عماد باقی » ، « درس‌هایی از فلسفه علم الاجتماع »



و « تبیین فلسفه علوم اجتماعی » است که براساس آرای « دانیل لیتل » روایت می‌شود. این مباحث را « علیرضا قلی » ضبط و برای استاد خود « سروش » منتشر کرده است.

در حوزه دین و عرفان نیز نی اغلب ناشر انحصاری آرای سید حسین نصر است « دین و نظم طبیعت » با ترجمه « انشا... رحمتی »، « قلب اسلام » با ترجمه « محمدصادق خرازی »، « در جستجوی امر قدسی » گفتگوی « سیدحسین نصر » با « رامین جهانگللو » از این آثارند. آثار نصر از سوی نشر « سهروردی » نیز منتشر می‌شود.

در بخش ادبیات، نشر نی ۶۵ اثر ارائه کرده است اما در این بخش نیز تنها ۱۶ اثر تالیفی است از این تعداد نیز « نویسندگان روس » از « خشایار دیهیمی »، « شعر عصیان » از « علی اصغر بهرامی » که درباره آثار « جفری هیل »، « آلن گینز برگ »، « دین تامس »، « ولکاسکا » می‌باشد و ارتباطی به ادبیات فارسی ندارد.

\* حلقه نویسندگان نشر نی

« رامین جهانگللو »، « علیرضا قلی »، « سیدحسین نصر »، « خشایار دیهیمی »، « محسن کدیور »، « حسین مرتضائیان آبکنار »، « عمادالدین باقی »، « فرهنگ رجایی »، « سیدابراهیم نبوی »، « محسن مخملباف »، « عباس باقری » و « مهدی نوروزی خیابانی »، « محبوبه مهاجر »، « نیکو سرخوش »، « عبدالکریم رشیدیان »، « حبیب... تیموری »، « ناصر موفقیان » و « هوشنگ نائینی ».

همچنین سایت اینترنتی نشر نی به آدرس [www.nashreney.com](http://www.nashreney.com) به روز بوده و

آخرین اخبار از کتاب‌های منتشر شده خود ارائه می‌کند.

\* موضوعات قابل توجه برای چاپ کتاب توسط نشر نی :

- دموکراسی در جهان و در ایران

- ترویج اندیشه‌های متفکران غرب در ایران

- توجه و تبیین نتایج روشنفکری لیبرال در ایران

- ترویج و تشریح نوعی اسلام آمریکایی بر مبنای آرای سیدحسین نصر

- ترویج حقوق بشر مبتنی بر فرهنگ غرب



- ارائه آثاری که تصویر منفی از ایران ارائه می‌دهند .

- عدم توجه به واقعیات جامعه جوان ایران در آثار منتشر شده

نشر نی با چاپ دو اثر معرفی شده در بخش قبل که مستقیماً براندازی نرم را توصیه می‌کرد در

خط مقدم ناشران معارض با نظام اسلامی قرار می‌گیرد.

### انتشارات «چشمه»

نشر «چشمه» به مدیریت «حسن کیانیان» در سال ۱۳۶۳ در تهران تاسیس شده‌است و در

زمینه‌های مختلف علوم انسانی به چاپ کتاب می‌پردازد . گرایش عمده نشر چشمه در چاپ کتاب عمدتاً

به ادبیات (داخلی و خارجی) معطوف شده و در زمینه‌های اسطوره ، موسیقی ، حکمت ، فلسفه ،

روانشناسی و حقوق نیز کمابیش به چاپ کتاب می‌پردازد .

با توجه به غالب بودن گرایش ادبیات در چاپ کتاب‌های این ناشر ، عمدتاً آثار نویسندگان عضو

کانون غیرقانونی نویسندگان یا طیف متمایل به آنها در این بنگاه انتشاراتی به چاپ می‌رسد .

چاپ کتاب‌های نویسندگانی چون «احمد شاملو» ، «فریدون مشیری» ، «سیمین بهبهانی»

، «علی‌اشرف درویشان» ، «محمود دولت‌آبادی» ، «میترا الیاتی» ، «حسن بنی‌عامری» ،

«حسین سناپور» و «امین فقیری» مؤید این نکته است .

این ناشر از جمله ناشرانی است که در اتحادیه ناشران و کتابفروشان دارای نفوذ فراوانی است .

زیرا «حسن کیانیان» مدیر این نشر ، همزمان نائب رئیس اتحادیه ناشران ایران می‌باشد و از نفوذ خود

در جهت پیشبرد و مقاصد سیاسی با گرایش به مدعیان اصلاح‌طلبی استفاده می‌کند . نشر چشمه از جمله

ناشرانی است که با دیگر ناشران همسو و در حمایت از اتحادیه ناشران ، دست به تحریم بیستمین

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران زدند تا با فشار به وزارت ارشاد آنان را وادار به تمکین از نظرات و

خواسته‌های خود کنند .

نشر چشمه در سال‌های اخیر رویکردی متفاوت را اتخاذ و جهت جذب کتابخوانان و نویسندگان ،

کافه کتاب را در طبقه دوم فروشگاه خود واقع در خیابان کریم‌خان زند تاسیس کرده و از این طریق

نویسندگانی چون «فریدون مشیری» (در دوران حیات) ، «بابک احمدی» (روشنفکر ناراضی که اخیراً



در جلسه‌ای دهه ۶۰ را دهه خون و خشونت نامید) و «علی اشرف درویشیان» (نویسنده چپ‌گرا) با حضور در نشر چشمه به بیان دیدگاه و افکار خود می‌پرداختند. مباحث مطرح شده در این نشست‌ها نیز به مسائلی چون ممیزی، آزادی بیان و مسائل نشر اختصاص داشت. با اینحال اداره اماکن به دلیل مغایرت قانونی وجود چنین مکانی در محل کتابفروشی، آن را تعطیل کرد.

نشر چشمه ظاهراً در سیاست نشر کتاب خود تغییراتی را ایجاد کرده‌است. این نکته از چاپ کتابهای نویسندگان جوان و تازه‌کار مشخص است. برخی از این نویسندگان جوان که بعضاً اولین کتابهای خود را به چاپ می‌رسانند افرادی نظیر «وحید پاک‌طینت» با کتاب مبتذل «حلقه‌ی کنفی» و افرادی چون «عباس عبدی»، «مهدی ربی»، «حافظ خیاوی»، «احسان نوروزی»، «آذر دخت بهرامی»، «پیمان اسماعیلی» و «بهاره رهنما» (بازیگر سینما) کسانی هستند که کتاب‌های آنها توسط نشر چشمه به جامعه‌ادبی معرفی شده‌است. اکثر این نویسندگان در شهرستان‌ها سکونت دارند.

نشر چشمه در بیست و یکمین نمایشگاه کتاب فعالیت زیادی از خود نشان داد و بیش از ۶۰ عنوان کتاب جدید را در مقایسه با نمایشگاه سال گذشته ارائه کرده بود. ضمن اینکه برخی از آثار این ناشر مثل «بازی عروس و داماد»، «مادر نخل»، «حلقه کنفی»، «سمت تاریک کلمات»، «قلعه پرتغالی»، «شب‌های چهارشنبه»، «بطالت» و ... دارای مطالب مبتذل و بعضاً سیاسی علیه نظام هستند که در نمایشگاه امسال نیز به مخاطبان عرضه می‌شد.

غرفه نشر چشمه به دلیل تمرکز ویژه این نشر به حوزه ادبیات و داستان کوتاه مورد توجه ویژه علاقمندان به کتاب بود.

با توجه به اینکه نشر چشمه فعالیت اصلی‌اش در حوزه ادبیات داستانی است می‌توان آثاری بیشتر از آنچه در این جزوه آمده را در مورد براندازی نرم شناسایی کرد و پیش‌بینی چاپ برخی از آثار ضدنظام را در آینده‌ای نزدیک داشت.





## انتشارات «ققنوس»



نشر «ققنوس» به مدیریت «امیر حسین زادگان» سال ۱۳۵۶ در تهران تاسیس و با موضوعات تاریخ و ادبیات ایرانی و غیرایرانی به چاپ کتاب می‌پردازد. مدیر نشر ققنوس که فعالیت خود را در عرصه نشر از سال ۱۳۵۳ شروع کرده‌است، یکی از پرکارترین افراد چند دهه اخیر صنعت چاپ و نشر کتاب ایران محسوب می‌شود که چاپ بیش از ۸۰۰ عنوان کتاب در زمینه‌های ادبیات قدیم و جدید ایران و جهان، ایران‌شناسی، فلسفه و تاریخ از سوی انتشارات وی موید گفتار فوق است.

ققنوس همچنین سالانه ۶۰ عنوان کتاب جدید را روانه بازار کتاب می‌کند که آمار بسیار خوبی برای یک ناشر محسوب می‌شود.

با این حال با نگاهی به فهرست بلند آثار این ناشر متوجه خواهیم شد که جهت‌گیری کتب منتشر شده توسط این ناشر در بسیاری از موارد به تبیین اندیشه‌های غرب‌گرایانه اختصاص دارد، از آن جهت که در حوزه ادبیات، توجه خاصی به ادبیات غربی و نیز چاپ آثار اعضای چپ‌اندیش کانون غیرقانونی نویسندگان که متأثر از غرب هستند در آنها به چشم می‌خورد.



آثاری از نویسندگانی چون «ذبیح‌الله صفا»، «عباس معروفی»، «جواد مجابی»، «سیدعلی صالحی»، «محمدعلی سپانلو»، «هوشنگ گلشیری»، «محمد محمدعلی» با روایت‌هایی اباحه‌گرایانه از ادبیات ایران و نویسندگانی چون «ژان پل سارتر»، «کافکا»، «آلبر کامو»، «گابریل گارسیا مارکز» و ... که مروج اندیشه‌های غربی هستند، موید گفتار فوق می‌باشد.

در حوزه عرفان و فلسفه نیز نشر ققنوس با گذر از عرفان و فلسفه اسلامی که پایه و مبنای تفکر غربیان در پانصد سال گذشته و قبل از رنسانس بوده‌است، توجه خود را به نشر آثار اندیشمندان غربی معطوف کرده و به تبیین فلسفه غربی و عرفان شبه‌مدرن و غیردینی وارداتی پرداخته است.



«تاریخ فلسفه غرب» از «ر. ج هالینگ» با ترجمه «عبدالحسین آذرنگ»، «هایدگر و سیاست» از «میگل دبیستیگی» با ترجمه «سیاوش جمادی» و «عدالت به مثابه انصاف» از «جان راولز» و ترجمه «عرفان ثابتی» نمونه‌هایی از ده‌ها کتبی است که ققنوس در این وادی منتشر کرده‌است.

نگاه این ناشر به ادبیات کهن ایرانی نیز از آن جهت جالب است که بسیاری از آثاری را که در این حوزه منتشر کرده، اثر و یا تصحیح محققان و مستشرقین غربی بوده‌است.



ققنوس در سال ۱۳۷۷ با تاسیس یک ناشر اقماری سعی کرد در حوزه کودک و نوجوان نیز وارد شود و در این راستا مدیریت نشر «آفرینگان» را به «زهره حسین‌زادگان»، دختر «امیر حسین‌زادگان» سپرد تا وی از راهنمایی‌های پدر خود در این عرصه بهره‌گیری کند.

این ناشر در سال ۱۳۸۳ با چاپ کتاب «نتایج انقلاب ایران» اثر «نیکی آرکدی» نویسنده آمریکایی، اتهامات و توهین‌های فراوانی را متوجه نظام اسلامی، حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری کرد که بعد از اتمام چاپ اول، اجازه انتشار پیدا نکرد؛ اما متأسفانه مجوز چاپ دوم این کتاب در آستانه بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران صادر و در دسترس عموم قرار گرفت.

این ناشر از جمله ناشرینی بود که در آستانه برگزاری بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به منظور تهدید وزارت ارشاد، اقدام به تحریم نمایشگاه کرد. مدیر این انتشارات از فعالان مرکزی اتحادیه ناشران و کتابفروشان محسوب می‌شود.

نشر ققنوس در نمایشگاه بیست و یکم نیز حضوری فعال داشت. ارائه بیش از ۳۰ عنوان کتاب چاپ جدید در نمایشگاه کتاب در کنار آثار سال‌های گذشته، سبب شده‌بود تا نشر ققنوس جمعیت زیادی را روزانه در مقابل غرفه خود ببیند با این حال علی‌رغم اختصاص فضایی مناسب و در حدود ۷۰ متر به



این ناشر، مدیرمسئول آن در گفتگو با روزنامه «کارگزاران» مورخه ۸۷/۲/۱۷ نسبت به مکان برگزاری نمایشگاه معترض بود و چنین گفت:

«... من مصلی را برای مکان برگزاری نمایشگاه مناسب نمی‌بینم. سال قبل هم

محل برگزاری نمایشگاه همین جا بود و با مشکلات فراوانی روبرو بودیم. منتهی

اصراری که مسئولان دارند این است که قطعاً مکان برگزاری نمایشگاه در مصلی باشد.

اینجا هنوز هم کیفیت یک نمایشگاه بین‌المللی را ندارد ...»

نکته قابل ذکر خط سیر این ناشر است که علی‌رغم چاپ بعضی کتب نامناسب و مغایر با موازین اسلامی باز هم این آثار خارج از نظارت مسئولان ارشاد در ویتترین این ناشر قرار گرفتند؛ کتاب‌هایی چون «دارند در می‌زنند»، «زنی با چکمه ساق بلند سبز»، «نتایج انقلاب ایران»، «عشق روی چاکرای دوم»، «جمعه بیست و هشتم روی صندلی لهستانی» و ... که آسیب‌های فراوانی از جهات سیاسی، امنیتی و اخلاقی به حوزه فرهنگ وارد می‌آورند. نشر ققنوس برای معرفی آثار خود، کتابچه‌ای ۸۵ صفحه‌ای را به مخاطبان عرضه می‌کرد.

\* گروه نویسندگان مرتبط با نشر ققنوس

«احمد گلشیری»، «هوشنگ گلشیری»، «شهریار مندنی‌پور»، «منیرالدین بیرونی»، «مصطفی مستور»، «نازی صفوی»، «عباس معروفی»، «جواد مجابی»، «فرزانه طاهری» (مدیر بنیاد گلشیری)، «مهناز کریمی»، «محمد محمدعلی»، «حسن بنی‌عامری»، «نیک‌آر.کدی»، «محمدعلی سپانلو»، «مهدی حقیقت‌خواه»، «مهدی غبرایی»، «مرتضی ثاقب‌فر»، «یوسف علیخانی»، «بهمن فرزانه»، «ناتاشا امیری»، «مرتضی کربلایی‌لو»، «غزل زرگرامینی» و ...

سایت نشر ققنوس نیز به آدرس [www.qooqnoos.ir](http://www.qooqnoos.ir) آثار جدید و در حال چاپ را

معرفی می‌کند که از بخش‌های متنوعی برخوردار است.



## انتشارات «عطایی»

موسسه انتشارات «عطایی» به مدیرمسئولی «بهروز عطایی» در سال ۱۳۱۵ تاسیس شده است که در زمینه های تاریخ، روانشناسی، ادبیات ایران و جهان به فعالیت می پردازد. اگرچه این انتشاراتی دارای قدمت زمانی قابل توجهی است اما تاکنون طی مدت فعالیت خود صرفاً ۸۴ عنوان کتاب چاپ و روانه بازار نشر کرده است. بررسی اجمالی کتب انتشارات عطایی نشان می دهد که این ناشر سعی دارد، فعالیت خود را بدون جنجال ادامه دهد! عناوین کتب چاپ شده موید این نکته است. البته همکاری این ناشر با نشر «آشیانه کتاب» قابل تامل است به ویژه آن که برخی کتب را به صورت مشترک به چاپ می رسانند! مدیریت نشر آشیانه کتاب را برادر عطایی به نشانی اینترنتی [www.ataipub.com](http://www.ataipub.com) بر عهده دارد.

## انتشارات «روشنگران و مطالعات زنان»

انتشارات «روشنگران و مطالعات زنان» به مدیرمسئولی «شهلا عبدالله زاده لاهیجی» - طراح مسائل زنان مدافع حقوق با دیدگاه کاملاً فمینیستی - در سال ۱۳۶۵ در تهران تاسیس و عمدتاً در موضوع زنان به چاپ کتاب مشغول است. انتشارات مذکور تا سال ۱۳۷۵ به نام انتشارات روشنگران فعالیت می کرد و پس از آن با افزودن پسوند مطالعات زنان به حیات خود در فضای فرهنگی جامعه ادامه داد.

لاهیجی در خصوص این تغییر نام می گوید:

«پسوند مطالعات زنان در سال ۷۵ به انتشارات ما سمت و سویی دیگر داد و مرکز ثقل ما شد. بدین معنا که در این نشر کارهای پژوهشی مسائل زنان صورت می گیرد تا بعد به صورت کتاب منتشر شود. ما کار پژوهشی داریم و برای کسانی که روی مسائل زنان کارهای پژوهشی انجام می دهند هم یک منبع به شمار می رویم.»

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان تاکنون حدود ۲۰۰ کتاب از نویسندگان ایرانی را منتشر کرده



است .

« شهلا لاهیجی » و انتشارات روشنگران و مطالعات زنان در سال ۲۰۰۶ برنده جایزه جهانی آزاد نشر شدند و جایزه ناشران در نمایشگاه بین‌المللی کتاب در شهر « گوتنبرگ » سوئد از سوی اتحادیه بین‌المللی ناشران به وی اهدا شد.

جایزه مذکور که برای اولین بار در خاورمیانه به یک ناشر زن تعلق می‌گیرد ، براساس اظهارات رئیس کمیته این اتحادیه به دلیل دفاع از حق آزادی نشر و فعالیت‌های انتشارات روشنگران در زمینه حقوق زنان به وی داده شده‌است .

شهلا لاهیجی مسئول انتشارات روشنگران متولد ۱۳۲۱ شیراز است . وی نوشتن را با تهیه برنامه های زنان برای رادیو محلی شیراز آغاز کرد و در ۱۶ سالگی عضو انجمن جهانی زنان روزنامه‌نگار و نویسنده شد و هم‌زمان مسئول روابط عمومی سازمان زنان ایران شد .

مدیر انتشارات روشنگران تاکنون کتاب‌های « زن در جستجوی رهایی » ، « سیمای زن در آثار بهرام بیضایی » و « شناخت هویت زن ایرانی در گسترده پیش از تاریخ » را به قلم خود منتشر کرده است .

از جمله فعالیت‌های جنبی این انتشارات و مدیر مسئول آن به شرح ذیل می‌باشد :

۱. راه‌اندازی پاتوق فرهنگی تهران : پاتوق فرهنگی تهران واقع در خ شریعتی ، طبقه فوقانی سینما فرهنگ که شامل کتابفروشی و کافه بود با مجموع حدود ۴۰۰ جلد کتاب و با شعار « یک کتاب ، یک صدلی ، یک فنجان چای » تاسیس شد . این مرکز پس از مدتی به علت برگزاری جلساتی مغایر با سیاست‌های فرهنگی نظام و خارج از عرف و شرع از سوی مراجع قانونی تعطیل شد .

۲. لاهیجی از امضاکنندگان و فعالان تجمع غیرقانونی ۲ خرداد زنان در سال ۸۵ است .

۳. شهلا لاهیجی از حامیان اولین کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین به اصطلاح تبعیض‌آمیز علیه زنان است .

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان از منتقدان همیشگی وزارت فرهنگ و ارشاد در حوزه نشر کتاب است . انتقادهای دست‌اندرکاران این انتشارات به ویژه مدیرمسئول آن از ممیزی و سیاست‌های فرهنگی وزارت ارشاد ، هر از چند گاهی بازتاب‌های گسترده‌ای دارد .



گفتنی است این انتشارات یکی از طراحان تحریم بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب بود و در نوزدهمین نمایشگاه کتاب هم به دنبال جمع‌آوری امضا از ناشران برای تحصن در صحن نمایشگاه بین‌المللی کتاب بود که موفق به این کار نشد. همچنین «زیبا لاهیجی» مدیرمسئول انتشارات «دامون» و خواهر «شهلا لاهیجی» مدیریت داخلی و اجرایی انتشارات روشنگران را برعهده دارد. از جمله محورهای مورد تاکید انتشارات روشنگران به شرح ذیل می‌باشد:

۱. مسائل حوزه زنان

۲. طرح مسائل جنسیتی و فمینیستی

۳. حمایت از نویسندگان زن

۴. انتقاد از سیاست‌های نظام در حوزه فرهنگ

۵. تاکید بر آزادی فردی و اجتماعی برای زنان

۶. تاکید بر وجود تبعیض علیه زنان در قانون

با نگاهی به عنوان کتاب منتشر شده توسط انتشارات روشنگران و مطالعات زنان مشخص می‌شود، این انتشارات زنان را به عنوان مخاطبین اصلی خود در نظر گرفته است. کتاب‌هایی چون «فصل زنان»، «خشم زنان»، «زنان نمایشنامه‌نویس»، «حقوق زنان - حقوق بشر»، «پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران»، «زنان در بازار کار ایران»، «راه‌های توسعه کارآفرینی زنان در ایران»، «جنسیت و مشارکت»، «حقایق دختران قوچان» و کتاب‌های متعدد دیگری در همین زمینه که موید نظریه فوق است.

نگاه ویژه لاهیجی به آثار «بهرام بیضایی» (بهایی مسلک) حکایت از برخی دیدگاه‌های وی دارد. به نظر می‌رسد لاهیجی بسیار تحت تاثیر افکار و شخصیت بیضایی است و برخی خطوط فکری و کاری خود را با مشورت او انجام داده است. ناگفته نماند اغلب فیلمنامه‌های بهرام بیضایی توسط این ناشر به چاپ می‌رسد.

نکته دیگر در پرونده این ناشر، چاپ کتاب «جامعه مدنی، مبارزه مدنی» از «جین شارپ» و «رابرت هلوی» است. این کتاب در واقع دستورالعمل‌های رسمی ایالات متحده برای ساقط کردن حکومت‌های مخالف خود است و نشر این نظرات در قالب کتاب توسط روشنگران از همراهی سران آن با



عناصر و جریانات برانداز حکایت دارد. بدون شک چاپ این کتاب را می‌توان مهمترین دلیل برای معارضة این بنگاه نشر را با حاکمیت نظام اسلامی دانست.

\* نویسندگان مرتبط با انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

« بهرام بیضایی » ، « نوشین احمدی خراسانی » ، « گل‌مهر کازری » ، « پروانه قاسمیان » ، « فریده حمیدی » ، « مهرانگیز کار » ، « فیروزه صابر » ، « عباس محمدی‌اصل » ، « افسانه نجم‌آبادی » ، « سونیا هاشمی » ، « تورج رهنما » ، « سوزان کویری » ، « جابر تواضعی » و ...

\* مترجمان مرتبط با انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

« فیروزه مهاجر » ، « پروین اردلان » ، « عالییه حجازی » ، « پروین رئیس‌فر » ، « فریده عصارپور » ، « فروغ پوریا وری » ، « گیتی خوشدل » و ...

### انتشارات « اختران »

نشر « اختران » به مدیر مسئولی « منصور اعرابی اردهالی » در سال ۱۳۷۹ در تهران تاسیس و در زمینه‌های مختلف به چاپ کتاب می‌پردازد. با اینکه اختران در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی فعالیت می‌کند اما تمرکز و گرایش آن به چاپ کتب تاریخی بیشتر است.

نگاهی گذرا به برخی از عناوین چاپ شده توسط این ناشر نشان می‌دهد که توجه به مسائل تاریخی به ویژه جنبش‌های چپ مارکسیستی بیش از دیگر موضوعات تاریخی در دستور کار این ناشر قرار دارد. چاپ کتاب‌هایی در مورد حزب توده ایران یا جنبش‌های چپ در ایران مؤید این نظریه است. چاپ این نوع کتاب‌ها در راستای بازیابی و تطهیر گروه‌های چپ و مارکسیستی از اتهام وابستگی و خیانت به شوروی سابق است و این روندی است که به شدت در کتاب‌های جدید اختران پیگیری می‌شود. کتاب تاریخچه فرقه جمهوری انقلابی ایران و گروه ارانی جدیدترین اثر این ناشر در این حوزه می‌باشد.

اختران گرایشاتی را نیز به فرقه ضاله بهائیت دارد و در میان ناشران به چپ بهایی معروف است و



چاپ کتاب‌هایی از عباس میلانی در این خصوص ارزیابی می‌گردد. اختران البته در بازنمایی و مصادره نمادهای ایران باستان نیز سابقه دارد. مصادره قیام‌های مزدکیان، مانویان، بابک خرم‌دین به نفع گروه‌های چاپ‌گرا و چاپ کتاب‌هایی در این باره نشان از هدفمندی چاپ کتاب در نشر اختران دارد.

اختران در حوزه تاریخ معاصر و دغدغه‌هایی چون تبیین اهمیت مدرنیزاسیون، عدم موفقیت مشروطیت در پیوند دین و مدرنیته و جنبش‌های مدرن، قرائت مدرن از تحولات، تحلیل جنبه‌های مذهبی و دینی تحولات سیاسی معاصر و برجسته‌سازی شخصیت‌های نازل در تحولات سیاسی معاصر را پیگیری و در چاپ کتاب‌های خود اعمال می‌کند.

این ناشر از یک سو با توجه به غیردینی بودن جنبش چاپ در ایران، نوعی دگردیسی دینی را در گستره تاریخ ایران جستجو می‌کند و با اینکه علناً جرأت ابراز تمایلات دینی خود به بهائیت را ندارد اما چاپ کتاب در برجسته‌سازی «قره‌العین» که از اصحاب باب بود، نشان از تمایلات اختران به این امر دارد. کمالینکه کتاب «معمای هویدا» را به قلم «عباس میلانی» برای تطهیر هویدا منتشر می‌کند و اما از سویی دیگر فردی چون امیرکبیر را تحقیر و سرزنش می‌کند.

باید توجه کرد، اگرچه جنبش‌های چاپ‌گرا در ایران و سایر نقاط دنیا، ارزش و اعتبار خود را از دست داده‌اند اما اختران در تلاشی بیهوده سعی دارد تا با کشیدن لایه‌ای نو و مدرن بر پوسته ترک‌خورده جنبش چاپ آن را به دانشجویان و طبقه جوان تحمیل کند. نمونه بارز این امر چاپ دو کتاب از مازیار بهروز است که مدعی است سوسیال دموکراسی می‌تواند جنبش چاپ را به سرمنزل مقصود برساند.

اختران همچنین در برخی از کتاب‌های خود انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را نیز مورد حمله قرار داده و در برخی از کتب به تطهیر عناصر فاسد و رجال دوره پهلوی پرداخته‌است که کتاب‌های «معمای هویدا» (عباس میلانی) و «پشت دیوارهای بلند» (آذر آریان‌پور) از آن جمله است.

اختران در نمایشگاه بین‌المللی کتاب سال ۸۷ نیز با همان رویه همیشگی حضور داشت. تقریباً تمام آثار گذشته خود را در معرض دید مخاطبان قرار داده‌بود و غرفه خود را با پوستره‌های نویسندگان شوروی سابق آذین بسته‌بود. آثار جدیدی را نیز در حوزه چاپ و کمونیسم ارائه کرده‌بود. «عباس میلانی» با کتاب «جریان‌های اصلی در مارکسیسم» و «خسرو شاکری» با کتاب «پیشینه‌های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی» در نمایشگاه حضور





داشتند .

توجه به نوآوری و مدرن کردن جنبش چپ برای جلب توجه دانشجویان در کتاب‌هایی چون «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» از «حمید شوکت»، «تاملاتی پیرامون شورشیان آرمانخواه در ایران» اثر «مازیار بهروز» و کتاب «مدرنیته، شبهه و دموکراسی» از «اصغر شیرازی» جلوه بارزی داشت. این آثار در پی تلفیق ایدئولوژی مارکسیسم با سوسیال دموکراسی می‌باشد.

\* گروه نویسندگان مرتبط با نشر اختران

«حاتم قادری»، «حسن قاضی‌مرادی»، «حسن نراقی»، «عباس میلانی»، «ابراهیم گلستان»، «حمید شوکت»، «لطف‌الله آجودانی»، «ماشا... آجودانی»، «ایرج افشار»، «رضا قاسمی»، «هوشنگ ماهرویان» و ...

\* گزیده‌ای از کتب چاپ نشر اختران

- «حزب توده ایران در مهاجرت» (براساس اسناد مطالعه نشده آلمان شرقی) - قاسم

نور محمدی

- «تاملاتی پیرامون تاریخ شورشیان آرمانخواه در ایران» - مازیار بهروز

- «سالهای گمشده» (از انحصارطلبی انقلابی تا سرکوب) - حمید شوکت

- «پشت دیوارهای بلند» (از کاخ تا زندان) - آذر آریان پور

- «معمای هویدا» - عباس میلانی

- «همه مردان شاه» - استفن کینزر

- «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» - گفتگو با ایرج کشکولی

- «نگاهی از درون به جنبش چپ ایران» - گفتگو با کوروش لاشایی

- «ملکم‌خان (نظریه‌پرداز نوسازی سیاسی در صدر مشروطه)» - حسن قاضی‌مرادی



## انتشارات «کویر»

نشر «کویر» به مدیرمسئولی «محمدجواد مظفر» در سال ۱۳۶۸ در تهران تاسیس و در زمینه های علوم اجتماعی، تاریخ و علوم سیاسی به چاپ و نشر کتاب مشغول است. محمدجواد مظفر مدیر نشر کویر یکی از فعالان عرصه نشر کتاب با گرایش به مدعیان اصلاحات است. این فرد به عنوان ناشر در عرصه چاپ کتاب های اندیشه ای مطرح می باشد و با آثاری که در این حوزه ها به چاپ رسانده است یکی از مروجان فرهنگ و اندیشه غربی و تبیین آن در کنار ناشرانی چون نشر نی، طرح نو، نگاه و ... می باشد.

این ناشر در حوزه مذهبی سعی دارد نگاهی متفاوت به دین و مذهب داشته باشد. کویر کتاب هایی چون «نگاهی به حماسه حسینی شهید مطهری» اثر «ناصر صالح نجف آبادی»، «عاشورا در گذار به عصر سکولار» (مجموعه مقالات)، «تساهل در اسلام» (جاشوا کوهن)، «دین و ارتباطات» (مجید محمدی)، «بدفهمی یک توجیه ناموفق»، «بررسی تحلیلی انتقادی نظریه امت، امامت شریعتی» (رضا علیجانی)، «مکتب در فرآیند تکامل» (حسین مدرسی طباطبایی)، «سید حسین نصر، دلباخته معنویت» (منوچهر دین پرست) و کتاب های دیگری در همین زمینه را به چاپ رسانده است

با ذکر این مطلب که برخی از کتب نامبرده درصدد تضعیف نقش دین در زندگی و اداره جامعه است. همچنین برخی از آثار، نگاهی انتقادی به موضوعات و مباحث دینی نظیر امامت دارد که این مسئله به صورت صریح در کتاب «مکتب در فرآیند تکامل» مطرح شده است. (بررسی این کتاب در آینده نزدیک ارائه خواهد شد.)

از سوی دیگر رگه هایی از فراماسونری در آثار این ناشر وجود دارد. چاپ کتاب هایی درباره «میرزا ملکم خان» و «محمد علی فروغی» در این زمینه ارزیابی می شود. گرایش به مسائل جامعه شناسی و علوم سیاسی با گرایش به فلسفه غرب در آثار نشر «کویر» مشهود می باشد، کتاب هایی چون «آخرالزمانی در همین نزدیکی» (احمد صدری)، «ناسیونالیسم در ایران» (حاتم قادری)، «توسعه به مثابه آزادی» (آمارتیا سن)، «جهانی شدن، قدرت و دموکراسی» (مارک پلانتر)،



«جامعه‌شناسی سیاسی معاصر» (حسین بشیریه) در همین زمینه می‌باشد.

همچنین کتاب‌های «پدر بزرگ من، بازرگان» (نازنین بنی‌اسدی) و «اصلاح‌طلبان ناکام» (منوچهر کدیور) کتاب‌های سیاسی تاریخ مصرف‌دار درباره اشخاصی چون بازرگان و کدیور است. نشر کویر همچنین مجموعه‌ای را تحت عنوان «اندیشه‌های ایرانی» به چاپ می‌رساند که تاکنون افکار و اندیشه‌های هفت نفر از عناصر مطرح در تاریخ معاصر را بررسی کرده است. افرادی چون «فریدون آدمیت»، «شایگان»، «محدعلی فروغی»، «سیدحسین نصر»، «احمد فرید» و... از این جمله‌اند.

هفتمین کتاب این مجموعه به «جلال آل احمد» اختصاص دارد که در آن افکار و اندیشه‌های این روشنفکر متعهد کشور در دوره پهلوی به چالش کشیده شده و اندیشه‌های وی را فاقد پشتوانه علمی معرفی کرده‌است که این کتاب نیز قبلاً مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

«محمدجواد مظفر» در نظری قابل تامل اعمال ممیزی را صرفاً بر پایه زور می‌داند و در گفتگو با سایت «نوروز» می‌گوید:

«کسی حق ندارد بنشیند و محصول اندیشه بشری را خوب و بد کند و به خود اجازه دهد، بگوید کدام منتشر شود و کدام نشود. مبنای ممیزی به این علت زور است که منطق آن می‌گوید، زمانی که قدرت دست من است، من تو را سانسور می‌کنم، تلاش کن قدرت را بگیر و آن وقت تو من را سانسور کن.»

\* نمایه اسامی برخی نویسندگان همکار با نشر «کویر»

- |                         |                          |
|-------------------------|--------------------------|
| ۱. حاتم قادری           | ۵. محمد کریمی زنجانی اصل |
| ۲. مرحوم صالح نجف آبادی | ۶. علی اصغر حقدار        |
| ۳. حسین بشیریه          | ۷. حسین قاضیان           |
| ۴. منوچهر کدیور         | ۸. حسین مدرسی طباطبایی   |

